



روزنامه دراز اقتصاد

روزنامه

www.marzaghatesad.ir

روزنامه سراسری اقتصادی، اجتماعی

چهارشنبه ۲۶ آذر ۱۴۰۴

۲۶ جمادی الثانی ۱۴۴۷ | ۱۷ دسامبر ۲۰۲۵

شماره ۸۲۴

۸۰۰۰ تومان

رمزارز در حصار سیاست



بر خورد بورس به سد
۱،۳ میلیونی



اوج گیری تقاضای
نفت کوره



کریکندی منطق
قلعه نویی درست نیست



سیاست یکسان
در تالارهای متفاوت

تالار دوم مرکز مبادله با هدف کاهش شکاف
نرخ ارز رسمی و بازار آزاد تشکیل شد تا
انگیزه...

صفحه ۶

رویا فروشی
در انتقال آب

فلات مرکزی ایران، جایی که بسیاری از
رودخانه ها تنها خاطری از گذشته اند و
آبخوان ها تحت فشار...

صفحه ۴

یارانه حمایتی
به مقصد نامعلوم

با این حال، بررسی ها نشان می دهد که
این طرح و سایر برنامه های مشابه، با وجود
صرف منابع مالی قابل توجه...

صفحه ۲

رمزارز در حصار سیاست

کریم حسن پور - چرا ایران با وجود پذیرش گسترده رمزارز در میان مردم، هنوز نتوانسته تکلیف خود را با بلاک چین و دارایی های دیجیتال روشن کند؟

از ریسک جلوگیری شود و هم نوآوری متوقف نماند. در امارات، سازمان VARA مجوز فعالیت صرافی ها، کیف پول ها و شرکت های بلاک چینی را صادر می کند و مقررات آن به صورت عمومی منتشر می شود. نتیجه، جذب صدها شرکت خارجی و شکل گیری دبی به عنوان هاب رمزارز خاورمیانه بوده است. سوئیس، رمزارزها را دارای قانونی می داند و در شهر زوگ، پرداخت های عمومی حتی با بیت کوین ممکن است. ساختار نظارتی شفاف و مالیات مشخص، این کشور را به یکی از امن ترین محیط های حقوقی بلاک چین تبدیل کرده است. در ژاپن نیز دولت از سال ۲۰۱۶ صرافی ها را ملزم به ثبت در آژانس خدمات مالی کرد و برای استیبل کوین ها پشتوانه قانونی تعریف شد. نتیجه این سیاست ها، افزایش اعتماد عمومی و ورود موسسات مالی رسمی به بازار رمزارزها است. در این کشورها، قانون گذاری ابزاری برای هدایت بازار است؛ نه محدود سازی آن. همین تفاوت نگرش، فاصله ایران با جهان را مشخص می کند؛ در حالی که دیگران در حال ساخت آینده مالی خود هستند، ایران هنوز مشغول تعیین متولی است.



ایران در ظاهر یکی از باز بگران فعال بازار رمزارز در منطقه است، اما این حضور بیشتر از جنس فعالیت مردمی است تا حکمرانی هوشمندانه.

فرصت های از دست رفته و ظرفیت های موجود
ایران با وجود تمام محدودیت ها، هنوز یکی از کشورهایی است که می تواند از فناوری بلاک چین برای اصلاح ساختار اقتصادی و افزایش شفافیت مالی استفاده کند. جمعیت جوان، سطح بالای سواد دیجیتال و نرخ بالای پذیرش رمزارز میان کاربران، پایه ای قوی برای توسعه این صنعت است. با این حال، نبود حمایت از استارت آپ ها و قوانین متناقض باعث شده است که سرمایه انسانی و فنی کشور به بازارهای خارجی مهاجرت کند.

از سوی دیگر، پروژه هایی مانند ریال دیجیتال یا پلتفرم ققنوس می توانند به نقطه شروع تحول مالی ایران تبدیل شوند، اما به دلیل ضعف شفافیت و محدود شدن به آزمایش های کنترل شده، هیچ گاه به مرحله اجرایی موثر نرسیدند. در مقابل، کشورهایی مثل چین و هند با رویکرد واقع گرایانه، هم زمان با نظارت، در حال توسعه رمزارز ملی و پشتیبانی از شرکت های بومی هستند. ایران نیز می تواند با بازنگری در سیاست ها، از بلاک چین برای کاهش فساد، تسهیل تجارت خارجی و جذب سرمایه منطقه ای استفاده کند؛ به شرط آنکه تصمیم گیری از حالت تدافعی خارج شود.

فرصت معلق
ایران در نقطه ای ایستاده است که میان فرصت و عقب ماندگی اندازه یک تصمیم فاصله دارد. جامعه، کاربران و حتی بخش خصوصی مسیر را شناخته اند؛ اما سیاست گذاری هنوز در مرحله شک و تردید است. در جهان امروز، کشورهایی که بلاک چین را ابزار تهدید می بینند، ناچارند دیرتر یا زودتر با هزینه بیشتر آن را بپذیرند. تجربه امارات، سوئیس و ژاپن نشان می دهد که قانون گذاری شفاف، نه تنها خطر را کاهش می دهد، بلکه زمینه ساز رشد اقتصادی و جذب سرمایه خارجی است. ایران می تواند از همین مسیر پیروی کند، به شرط آنکه نگاه از کنترل صرف به سمت هدایت هوشمندانه و گفت و گوی واقعی با بخش خصوصی تغییر کند. آینده رمزارز و بلاک چین در کشور، نه با دستور، بلکه با فهم درست فناوری و اعتماد به نوآوری ساخته می شود. تا زمانی که تصمیم گیران میان ممنوعیت و پذیرش در نوسان هستند، نتیجه چیزی جز از دست دادن زمان نخواهد بود و در اقتصاد دیجیتال، زمان همان سرمایه است.

تا چند سال پیش، ایران یکی از بازیگران بزرگ در صنعت استخراج بیت کوین بود. بر اساس داده های دانشگاه کمبریج، در سال ۲۰۲۱ سهم ایران از توان پردازشی شبکه بیت کوین (هش ریت جهانی) حدود ۶ تا ۸ درصد برآورد می شد. این رقم کشور را در جمع پنج استخراج کننده بزرگ جهان قرار می داد.

اما پس از اعمال محدودیت های برق، تعرفه های جدید انرژی و تعطیلی فارم های رسمی بیت کوین، این سهم به شدت کاهش یافت. طبق برآوردهای جدید (۲۰۲۳ تا ۲۰۲۴)، سهم ایران از هش ریت جهانی اکنون کمتر از ۰.۵ درصد است. بخش زیادی از فعالیت ها نیز به صورت غیررسمی یا زیرزمینی ادامه دارد.

در حوزه سیاست گذاری، ایران بلا تکلیف است. مرکز ملی فضای مجازی، بانک مرکزی و وزارت اقتصاد هر کدام برداشت متفاوتی از مفهوم رمزارز دارند. این چندگانگی باعث شده است هیچ نهاد واحدی مسئول توسعه بلاک چین در کشور نباشد. در حالی که دولت های پیشرو در حال استفاده از بلاک چین در نظام بانکی، بیمه و زنجیره تامین هستند، پروژه های داخلی مانند «ققنوس» یا «ریال دیجیتال» در مرحله آزمایشی باقی مانده اند و هنوز اثر ملموسی بر اقتصاد واقعی ندارند. ایران نه در دسته کشورهایی است که رمزارز را ممنوع کرده اند، نه در گروه کشورهایی که آن را پذیرفته اند. این وضعیت خاکستری، باعث از بین رفتن فرصت های اقتصادی و مهاجرت نیروی انسانی متخصص شده است. نتیجه هم صنعتی است یا پتانسیل بالا و سیاست های متناقض؛ صنعتی که به جای تبدیل شدن به مزیت رقابتی، به یکی از نمادهای بی تصمیمی در حکمرانی دیجیتال بدل شده است.

مسیر پر چالش رگولاتوری در ایران
رگولاتوری یا قانون گذاری رمزارز در ایران بیش از آنکه مسیر مشخصی داشته باشد، دارای مجموعه ای از تصمیم های مقطعی است. از سال ۱۳۹۷ تا امروز، بانک مرکزی، وزارت صمت و مرکز ملی فضای مجازی هر کدام بخش نامه هایی صادر کرده اند که بعضا با یکدیگر در تضادند.

در عمل، قانون جامع و پایداری برای رمزارزها وجود ندارد. بانک مرکزی فقط بر استخراج و پرداخت نظارت دارد، در حالی که سایر نهادها بر مسائل امنیتی و مالیاتی تمرکز دارند. این تداخل نهادی باعث شده است که نه دولت پاسخ گو باشد و نه بخش خصوصی احساس امنیت کند. در مقابل، کشورهای مانند امارات و سنگاپور با ایجاد نهادهای مستقل مثل «سازمان تنظیم مقررات دارایی های مجازی (VARA)» توانسته اند چارچوب های روشن، مالیات مشخص و مجوزهای شفاف ارائه دهند. همین موضوع زمینه جذب شرکت های بزرگ بین المللی را فراهم کرده است.

در ایران اما هر گام به سمت قانون گذاری، با نگرانی از ریسک و نگاه امنیتی همراه بوده است. نتیجه هم رکود اکوسیستم داخلی و خروج شرکت های فعال به کشورهای همسایه است. آنچه در ظاهر نظارت نامیده می شود، در عمل نوعی بازدارندگی نوآوری است.

تجربه کشورهای پیشرو در تنظیم گری و توسعه بلاک چین کشورهای پیشرو، رویکردی متفاوت از ایران در قبال رمزارزها دارند: قانون گذاری قبل از محدود سازی. آنها ابتدا ماهیت دارایی دیجیتال را تعریف کرده اند و سپس چارچوب نظارتی شفاف ایجاد کرده اند تا هم

چرا ایران با وجود پذیرش گسترده رمزارز در میان مردم، هنوز نتوانسته تکلیف خود را با بلاک چین و دارایی های دیجیتال روشن کند؟ چگونه در ایران میلیون ها کاربر وارد اقتصاد رمزارز شده اند، اما سیاست گذاری رسمی همچنان درگیر اختلاف نهادی و نگاه های متناقض است؟ آیا ادامه این بلا تکلیفی در ایران به معنای حذف تدریجی کشور از نقشه اقتصاد دیجیتال جهان خواهد بود؟

ایران یکی از معدود کشورهای است که در آن، مردم به سرعت، فناوری بلاک چین را پذیرفتند. آمار بالای کاربران فعال در بازار رمزارز، نشان می دهد جامعه ایرانی آماده ورود به اقتصاد دیجیتال است، اما ساختار رسمی کشور هنوز بر سر تعریف «پول دیجیتال» اختلاف دارد. در حالی که کشورهای مانند امارات، سوئیس و سنگاپور با تدوین قوانین شفاف و جذب شرکت های بین المللی بلاک چینی در حال تبدیل شدن به مراکز مالی جدید هستند، ایران همچنان درگیر این پرسش است که چه نهادی باید متولی رمزارزها باشد؛ بانک مرکزی، وزارت ارتباطات یا شورای عالی فضای مجازی؟

این بلا تکلیفی، نه تنها مسیر توسعه را متوقف کرده، بلکه به خروج نخبگان و تعطیلی کسب و کارهای نوآور انجامیده است. اکنون، در شرایطی که بیش از ۱۳۰ کشور در حال تدوین چارچوب قانونی برای دارایی های دیجیتال هستند، جایگاه ایران در این نقشه جهانی مبهم است.

از یک سو، رمزارز می تواند ابزار واقعی برای خنثی سازی تحریم ها و افزایش شفافیت مالی باشد؛ از سوی دیگر، نبود سیاست واحد و نگاه صرفا امنیتی به این حوزه، خطر حذف ایران از موج چهارم تحول اقتصادی جهان را به همراه دارد. در راستای این موضوع باید به یادداشت اخیر ساجده حسینی، کارشناس حوزه بلاک چین نگاهی انداخت.

جایگاه فعلی ایران در اکوسیستم بلاک چین
ایران در ظاهر یکی از بازیگران فعال بازار رمزارز در منطقه است، اما این حضور بیشتر از جنس فعالیت مردمی است تا حکمرانی هوشمندانه. بر اساس گزارش های داخلی و نظرسنجی های بین المللی، ۲۵ تا ۳۵ درصد از کاربران ایرانی تجربه مستقیم خرید یا سرمایه گذاری در رمزارزها را داشته اند؛ رقمی که در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه، عدد بالایی محسوب می شود.

اگرچه برخی گزارش های غیررسمی عدد بالاتری را مطرح کرده اند، اما داده های معتبر نشان می دهد ایران یکی از بالاترین نرخ های پذیرش رمزارز در خاورمیانه را دارد؛ هرچند این پذیرش بیشتر مردمی است تا سازمانی.

در مقابل، سهم کشور از نوآوری، استارت آپ های بلاک چینی و پروژه های بین المللی نزدیک به صفر است. این تناقض، تصویری دقیق از فاصله میان ظرفیت اجتماعی و سیاست گذاری رسمی ارائه می دهد. در حال حاضر، چارچوب قانونی روشنی برای فعالیت کسب و کارهای رمزارزی در ایران وجود ندارد. بانک مرکزی استفاده از رمزارز را به عنوان ابزار پرداخت ممنوع کرده، اما استخراج آن را مشروط به دریافت مجوز از وزارت صمت قانونی دانسته است. نتیجه این تصمیم های دوگانه، شکل گیری بازاری خاکستری است؛ بازاری که در آن صرافی ها با محدودیت های بانکی، خطر فیلترینگ و ابهام مالیاتی مواجه اند و کاربران نیز همواره در معرض ریسک مسدود سازی حساب ها قرار دارند.

چشم انداز تاریک رشد اقتصادی

دکتر مهرداد سپهوند
اقتصاددان



اخیرا صندوق بین المللی پول، اقدام به انتشار گزارش چشم انداز اقتصاد جهانی در ماه اکتبر کرده است. در حالی که سال گذشته، این نهاد بین المللی برای سال ۲۰۲۵ نگاهی خوش بینانه داشت و روندی روبه رونق را برای رشد اقتصادی جهانی پیش بینی می کرد، در اکتبر امسال، بنابر برآوردهای این صندوق، شاهد محو شدن آن خوش بینی ها و انتظار یک روند کاهشی برای اقتصاد جهان هستیم. دلیل این امر، طیف گزارش چشم انداز صندوق، قبل از هر چیز، متوجه سیاست های اقتصادی ترامپ است. سیاست هایی که جنگ تعرفه ای و حمایت گرایی را دامن زده، نااطمینانی را افزایش داده و به پیوستگی زنجیره تامین در سراسر جهان آسیب رسانده است.

این گزارش برای کشورهای بزرگ چون ایالات متحده آمریکا و چین کاهش رشد اقتصادی را پیش بینی می کند. شاید شدیدترین کاهش در رشد اقتصادی برای کشورهای بزرگ متوجه روسیه باشد که درگیر یک جنگ طولانی مدت با اوکراین است. در مقابل اتحادیه اروپا، هند و انگلیس مطابق این سند انتظار می رود که یک رونق نسبی را در دوره پیش رو تجربه کنند. با وجود انتظار کاهش قیمت نفت به دلیل کاهش تقاضا، اوضاع برای کشورهای صادرکننده نفت در مجموع امیدوارکننده است.

جالب توجه ترین آن شاید افزایش دوبرابری رشد اقتصادی عربستان باشد که نرخ آن از ۲ درصد به ۴ درصد خواهد رسید. با وجود این، مطابق برآوردهای این گزارش، افزایش رشد شامل همه کشورهای صادرکننده نخواهد بود. به عنوان مثال، برای ایران که علاوه بر سیاست های فشار حداکثری توسط دولت ترامپ، با تنش های امنیتی در منطقه و مخاطرات امنیتی روبه روست، این گزارش بیشترین کاهش در رشد را بین کشورهای صادرکننده نفت پیش بینی می کند و مطابق پیش بینی های آن، انتظار می رود تا پایان سال جاری میلادی، کشور ما تنها یک رشد ۰.۶ درصدی را تجربه کند، حال آنکه رشد اقتصادی در سال گذشته میلادی برای ایران حدود ۳.۷ درصد بوده است. جالب توجه است که برخی خبرگزاری های داخلی، صرفا به این دلیل که نرخ رشد پیش بینی شده در این گزارش اندکی بیشتر از برآورد اولیه در ماه آوریل امسال بوده، از چنین تحول ناخوشایندی اظهار خوشحالی و شغف کرده اند و آن را اعترافی از سوی این نهاد بین المللی به بی تاثیری استثنایک دانسته اند، غافل از آنکه اولاً فرآیند انجام این برآوردها و کنترل نتایج و همچنین داده های مورد استفاده، با سرعتی که آنها تصور می کنند به روزرسانی نمی شود و تأثیر مواردی از این دست، هنوز در پیش بینی ها منعکس نشده است و نیاز به زمان دارد. ثانیاً، فراتر از بحث پیش بینی ها، آمار و ارقام واقعی که مرکز آمار منتشر کرده، نشان می دهد نرخ رشد اقتصادی در فصل بهار منفی شده است. ثالثاً، برآوردهای صندوق بین المللی پول تنها برآوردهای موجود از روند اقتصادی در آینده نیست.

پیش بینی های «مرکز پژوهش های مالی و اقتصادی دنیای اقتصاد» که مدتی است با متدولوژی علمی و مشابه متدولوژی به کار رفته در نهادهای معتبر بین المللی و زیر نظر اقتصاددانان برجسته و مطرح کشور برای اقتصاد ایران انجام می شود، برای پایان سال جاری میلادی که مطابق با پایان فصل پاییز است، حکایت از منفی شدن نرخ رشد اقتصادی دارد. یادآوری می شود این پیش بینی ها توسط این مرکز در دوره های عمامه انجام شده و پیش بینی تیرسرات مولفه های مهم اقتصاد کلان برای چهار فصل آینده را به دست می دهد. در این بررسی ها روش کار کاملاً علمی و فارغ از هرگونه سوگیری سیاسی و با استفاده از نتایج ترکیبی پنج مدل کلان رسنجی است. شایان ذکر است که در دوره های گذشته، نتایج پیش بینی های این مرکز، قابل مقایسه با برآوردهای صندوق بین المللی پول بوده و نسبت به آن، خطاهای پیش بینی عمدتاً به سمت مقادیر خوش بینانه تر انحراف داشته است. نهایتاً باید به شاخص خرید مدیان انحراف اشاره کرد که نشان می دهد ارزیابی فعالان صنعتی از وضعیت سفارش ها بدبینانه بوده، چنان که این شاخص به زیر عدد ۵۰ افت کرده و وضعیت امیدوارکننده ای را نشان نمی دهد.

واقعیت آن است که نگرانی از ورود کشور به یک دوره رکودی باید جدی گرفته شود. در سال های گذشته هرچند رشد اقتصادی از کیفیت مطلوبی برخوردار نبود، اما به هرحال در مجموع شاهد رشد اقتصادی مثبت بودیم. اما وضعیت اکنون تغییر کرده است. محدودیت در دسترسی به منابع ارزی و ناترازی انرژی و کاهش سرمایه گذاری ها، صنعت کشور را در وضعیت بحرانی قرار داده است. به بعد به نظر می رسد مانند گذشته با توجه به افزایش محدودیت ها و رشد ناکافی و پرنوسان بخش نفت خام و گاز طبیعی نتوان از این بخش انتظار داشت مانند گذشته بار کاهش نرخ در سایر بخش ها را به دوش بکشد.

نتیجه آنکه بدون ترمیم روابط بین الملل و انجام اصلاحات ساختاری عمیق در داخل در حوزه های مختلف چون انرژی، مالی، بانکی و سرمایه گذاری و همچنین توسعه فضای کسب و کار، اقتصاد ایران همچنان در وضعیت فرسایش تدریجی باقی خواهد ماند و ممکن است وارد یک دوره بلندمدت رکودی شود. درک واقعیت ها همان گونه که هست به جای تفسیرهای مناسب ذائقه سیاسیون، از این جهت اهمیت دارد که بدون درک درست از ابعاد مشکلات، آمیدی به چاره اندیشی و انجام اصلاحات برای برون رفت از این شرایط نتوان داشت.

♥ پشت‌صحنه فروش جدید وارداتی‌ها

مدیر طرح واردات خودرو و وزارت صمت،روز گذشته اعلام کرد که متقاضیان خودروهای وارداتی تا روز چهارشنبه (۳۰ مهر ۱۴۰۴) برای وکالتی‌کردن حساب خود به مبلغ ۵۰۰میلیون تومان فرصت دارند.

ثبت‌نام جدید واردات خودرو آن هم در شرایطی که تعهدات قبلی هنوز بلا تکلیف است، سبالات بی‌شماری در راستای اهداف سیاستگذار خودرو و این زمینه مطرح می‌کند.به‌طوری‌که با گذشت نزدیک به هفت ماه از سال جاری و بلا تکلیفی و سردرگمی واردات، وزارت صمت با چه هدف و ایدهای ثبت‌نام جدیدی برای واردات خودرو آغاز کرده است؟ آنچه مشخص است فروش وارداتی‌ها موضوعی چندوجهی است که هم ابعاد ی کلان دارد و هم مربوط به تنظیم‌گری بازار می‌شود.

ثبت‌نام جدید واردات خودرو در یک برهه‌ریختگی کج‌سایقه به سر می‌برد.این در حالی‌است که بخشی از این آشفتنگی به واردات مربوط می‌شود. هنوز تعرفه واردات به دلیل کشمکش میان دولت و مجلس مشخص نیست و با رای مقدماتی که هیات تطبیق مقررات مجلس در شهریورماه صادر کرد، وارد مرحله حساسی شده است. با وجود اعلام فهرست خودروهای وارداتی، هنوز ثبت‌سفارشی در سال جاری انجام نشده و به‌رغم پافشاری سازمان گمرک بر رشد ۱۶ درصدی ورود خودروهای خارجی در ۶ ماهه سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل، ارقام اعلامی مربوط به خودروهای است که سال گذشته ثبت‌سفارش شده‌اند.

از سوی دیگر، در حالی مهدی ضعیفی، مدیر طرح واردات خودروی وزارت صمت از فرصت نهایی وکالتی کردن حساب خودروهای وارداتی خبر داده که هنوز جزئیات خودروهای وارداتی مانند مدل، قیمت یا کلاس آنها مشخص نیست. در واقع در حالی هنوز فهرست خودروهای وارداتی این دوره مشخص نیست که متقاضی بدون اطلاع از شرایط جدید، باید مبلغی را بپردازد تا ثبت بلوکه کند. بنابراین در شرایطی این نوع فروش به ظاهر رسمی زیر چتر مجوزهای وزارت صمت انجام می‌شود که در عمل به معنای سلب حق انتخاب از مشتری است. خریدار نه می‌داند چه می‌خرد و نه می‌تواند در برابر تغییر قیمت یا تاخیر در تحویل اعتراض کند. با این اوصاف، این پرسش اساسی برای افکار عمومی ایجاد شده که دلیل پافشاری وزارت صمت بر این شیوه فروش چیست؟

تبلطیگران بر این باورند که هدف وزارت صمت می‌تواند انتقال سرمایه‌ها از بازارهای ارز و طلا به سمت بازار خودرو باشد.سیاستگذار در این روش پوشش ریسک نوسانات ارزی را دنبال می‌کند. در واقع جمعاً آوری سرمایه‌ها به دولت کمک می‌کند تا بخشی از ریسک‌های ناشی از نوسانات نرخ ارز را تا زمان تحویل نهایی خودرو مدیریت کند، اگرچه این موضوع به‌طور کامل شفاف‌سازی نشده است.

همچنین صاحب‌نظران، کنترل تورم انتظاری را دلیل دیگری برای در پیش گرفتن رویه از سوی وزارت صمت عنوان می‌کنند.بلوکه شدن موقت این حجم از پول در بانک‌ها، برای یک دوره مشخص، می‌تواند تا حدودی از سرعت گردش پول در جامعه بکاهد و به صورت کوتاه‌مدت، انتظارات تورمی را در بخش‌های دیگر اقتصاد تعدیل کند. بنابراین به نظر می‌رسد اصرار وزارت صمت بیشتر معطوف به اهداف تنظیم‌گری بازار و تسهیل فرآیند تامین مالی در شرایط کمبود منابع ارزی و پیچیدگی‌های دوره تحریم باشد، حتی اگر این کار به قیمت سلب حق انتخاب و افزایش ریسک برای مصرف‌کننده تمام شود.

.....

♥ فرار مالیاتی فرامرزی

فرار مالیاتی فرامرزی یکی از چالش‌های پیچیده و جهانی نظام‌های مالیاتی در قرن حاضر است. در این پدیده، مودیان با بهره‌گیری از خلأهای قانونی و امکانات مالی بین‌المللی، درآمد یا دارایی خود را از دید نظام مالیاتی کشور مقبوع پنهان می‌کنند. رشد به‌اصطلاح «بهشت‌های مالیاتی» و ضعف همکاری میان کشورها، این روند را تسهیل کرده است. مقاله حاضر با تمرکز بر مبانی حقوقی، اقتصادی و اجرایی مباحث به فرار مالیاتی فرامرزی، نقش همکاری‌های بین‌المللی، فناوری‌های نوین و اصلاح ساختارهای داخلی را مورد بررسی قرار می‌دهد و در پایان، راهکارهایی برای تقویت شفافیت مالی و عدالت اقتصادی ارائه می‌یابد.

مالیات به عنوان یکی از ارکان اصلی تامین بودجه عمومی، نقشی حیاتی در تحقق عدالت اجتماعی و پایداری اقتصادی دارد. با این حال، در عصر جهانی‌شدن و گسترش تبادلات مالی، دولتها با پدیده‌ای مواجه شده‌اند که مرز نمی‌شناسد: فرار مالیاتی فرامرزی. در این پدیده، مودیان از شبکه‌های پیچیده شرکت‌های صوری، حساب‌های خارجی و خلأهای قانونی میان کشورها استفاده می‌کنند تا از پرداخت مالیات طفره روند. نتیجه آن کاهش منابع مالی دولتها، تضعیف عدالت مالیاتی و بی‌اعتمادی عمومی است. در کنار این موضوع، مناطق در جهان وجود دارند که با عنوان «بهشت‌های مالیاتی» شناخته می‌شوند؛مکان‌هایی که با نرخ مالیات صفر و محرمانگی بانکی، زمینه را برای پنهان‌سازی دارایی‌ها فراهم می‌کنند. در چنین شرایطی، همکاری بین‌المللی میان کشورها و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در تبادل اطلاعات مالی، به ضروری اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. مفهوم و ابعاد فرار مالیاتی فرامرزی فرار مالیاتی (Cross-border Tax Evasion) رفتاری عمدی است که در آن مودی با جابه‌جایی سرمایه، درآمد یا دارایی خود به کشور دیگر، از شمول قوانین مالیاتی کشور مبدا خارج می‌شود. این رفتار ممکن است.



یارانه حمایتی به مقصد نامعلوم

مریم لطفی طرح کالابرگ الکترونیکی تاکنون در چهار مرحله به اجرا در آمده و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های حمایتی دولت برای بهبود معیشت اقشار کم‌درآمد شناخته می‌شود.

طرح کالابرگ الکترونیک به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی دولت، در این نسخه ادامه یافت.

شد. یکی از اولین نگرانی‌ها کاهش سهم گوشت در سبد خانوار بود، اما بسیاری از خانواده‌ها تلاش کردند با جایگزینی حبوبات، پروتئین مورد نیاز را تامین کنند. با این حال، تورم بالا در گروه حبوبات خرید این منابع جایگزین را نیز دشوار کرده است.

بر اساس گزارش مرکز آمار، قیمت هر یک از اقلام لوبیا پخته، لپه، لوبیا قرمز و نخود در شهریور ماه نسبت به شهریور سال گذشته بیش از ۱۰۰ درصد افزایش قیمت داشته است. افزایش قیمت کربوهیدرات‌ها نیز محدودیت‌های دسترسی به این اقلام را تشدید کرده است؛ به‌عنوان مثال، برنج ایرانی در شهریورماه نسبت به ماه مشابه در سال گذشته ۱۴۶ درصد افزایش قیمت داشته است. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نیز تایید می‌کند که تامین کالری مورد نیاز خانوارها با دشواری مواجه شده و سرانه کالری مصرفی از سال ۱۴۰۱ تاکنون کمتر از حداقل کالری مورد نیاز یعنی ۲۱۰۰ کالری بوده است و این آمار در سال‌های بعد افت بیشتری نیز داشته است.

در چنین شرایطی، نگرانی‌ها از پیامدهای این وضعیت، به‌ویژه بر سلامت کودکان، افزایش یافته است؛ زیرا کمبود کالری و مواد مغذی می‌تواند در بلندمدت بر رشد، تحصیل و توانمندی‌های شغلی و تحصیلی آنها اثر منفی بگذارد. کارشناسان معتقدند که در شرایط فعلی، اولویت بیش از هر چیز باید به بهبود شرایط اقتصادی کلان و کنترل تورم معطوف باشد. بررسی آخرین امراها نشان می‌دهد که تورم نقطه‌ای در شهریور ماه به ۴۵.۳ درصد رسیده است. همچنین رشد اقتصادی نیمه اول سال جاری توسط مرکز پژوهش‌های مجلس منفی ۰.۳ درصد برآورد شده است. در چنین شرایطی سیاست‌های حمایتی تنها می‌تواند نقش یک مُسکن را داشته باشد و اثر قابل‌توجهی بر وضعیت معیشت مردم نخواهد داشت.

فراز و فرود اجرای کالابرگ الکترونیک

طرح کالابرگ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های حمایتی دولت با هدف تقویت امنیت غذایی و حمایت مستقیم از اقشار کم‌درآمد، نخستین‌بار در دیماه ۱۴۰۱ به‌صورت آزمایشی اجرا شد. در ابتدای اجرای طرح، خانوارهای مشمول یارانه می‌توانستند پیش از زمان ریزش یارانه نقدی، سیدی از کالاهای اساسی را از فروشگاه‌های تعیین‌شده خریداری کنند. با آغاز سال ۱۴۰۲، ساختار پرداخت در این طرح تغییر یافت و دولت برای افزایش

طرح کالابرگ الکترونیک به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی دولت، در این نسخه ادامه یافت.

بازار طلا در روزهای اخیر بار دیگر شاهد نوسانات چشم‌گیر بوده و در معاملات روز گذشته قیمت‌ها با رشد همراه شد. طلا و نقره به دلیل افزایش تقاضای دارایی امن، با رشد قیمتی وارد تعطیلات آخر هفته شدند. این افزایش در شرایطی رخ داد که نوسانات برای سومین روز متوالی در تعطیلی به سر می‌برد و چشم‌اندازی برای پایان آن دیده نمی‌شود. اختلاف شدید بین دولت ترامپ و دموکرات‌ها بر سر بودجه و تهدید رئیس‌جمهور برای اخراج کارکنان فدرال، احتمال طولانی‌تر شدن این تعطیلی را افزایش داده است.

در همین حال، بازارهای سهام جهانی وضعیت متفاوتی داشتند و شاخص‌های آمریکا آماده بازگشایی در سطوح بالای تاریخی بودند. خبر دیگری که بر بازار انرژی اثر گذاشت، انفجار و آتش‌سوزی در پالایشگاه شرکت شورون در لس‌آنجلس بود؛ پالایشگاهی که بخش مهمی از سوخت خودرو و هواپیما در جنوب کالیفرنیا را تامین می‌کند. این حادثه باعث رشد اندک قیمت نفت شد که بیش‌تر به پایین‌ترین سطح چهارماهه رسیده بود. در بازارهای دیگر، شاخص دلار آمریکا اندکی کاهش یافت و بازده اوراق خزانه‌داری ۱۰ ساله آمریکا حدود ۴.۹ درصد شد.

از منظر تکنیکال، روند کوتاه‌مدت طلا همچنان صعودی برآورد می‌شود. هدف بعدی خریداران، عبور از مقاومت کلیدی ۴۰۰۰ دلار در فر اونس است، درحالی‌که حمایت مهم در سطح ۳۷۵۰دلاری قرار دارد. اولین مقاومت در ۲۹۲۳ دلار و سپس ۳۹۵۰ دلار دیده می‌شود. در مقابل، نخستین حمایت در ۲۸۶۱ دلار و سپس ۲۸۴۲ دلار است.



نشان دهد چگونه نبود تقسیم کار روشن میان نهادهای تنظیم‌گر و نظارتی، زمینه‌ساز تصمیمات متعارض و ناکارآمدی در بازارهایی مانند خودرو بود.

تعارض نهادی در تنظیم بازار خودرو

اما نگاهی داشته باشیم به جزئیات گزارش بازوی پژوهشی مجلس و راهکارهایی که برای حل این تعارضات نهادی پیش رو قرار داده است.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، با بررسی جایگاه شورای رقابت و وزارت صنعت، معدن و تجارت در سیاست‌گذاری بخش خودرو، به نهادهای موازی در تصمیم‌سازی این صنعت پرداخته است. بر اساس این پژوهش، از سال ۱۳۹۱ که شورای رقابت با تشخیص انحصاری بودن بازار خودرو وارد فرآیند قیمت‌گذاری شد، ساختاری شکل گرفت که در آن وظایف سیاستگذاری، تنظیم‌گری و نظارت درهم آمیخت و هیچ نهاد واحدی مسئول نهایی تصمیمات نبود.

این تصمیم در آغاز با هدف افزایش شفافیت و جلوگیری از رفتارهای ضد رقابتی اتخاذ شد، اما در غیاب سازوکار هماهنگ میان شورا و وزارت‌خانه، به تداخل در صلاحیت‌ها انجامید.

در آن سال‌ها، وزارت صمت خود را متولی اصلی صنعت خودرو می‌دانست و از طریق سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و ستاد تنظیم بازار، چارچوب قیمت‌گذاری و سیاست‌های عرضه را تنظیم می‌کرد. شورای رقابت اما با استناد به قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، بازار خودرو را مصداق انحصار تشخیص داد و برای تعیین قیمت‌ها فرمولی ارائه کرد که مبنای تصمیمات بعدی قرار گرفت. در همین حال، ستاد تنظیم بازار نیز در مقاطع مختلف بنا به تصمیمات دولت وقت، در فرآیند قیمت‌گذاری ورود کرد.

به این ترتیب، سه مرجع هم‌زمان برای یک بازار واحد بودند، بی‌آنکه میان آنها مرزبندی یا هماهنگی مشخصی وجود داشته باشد. البته شورای رقابت از سال ۹۱ تاکنون دوبار رفت و برگشت داشت که خود نشانگر میزان زیادی از بلا تکلیفی در سیاست‌گذاری خودرو است. مرکز پژوهش‌ها در تحلیل خود تاکید می‌کند که تداخل مأموریت‌ها از خلأ ساختاری در نظام تنظیم‌گری ناشی می‌شود و تاکید می‌کند که نظام مطلوب، نهاد تنظیم‌گر بخشی باید به طور مستقل و با پشتوانه قانونی روشن، سیاست‌های مربوط به بازار را طراحی و اجرا کند و نهاد رقابت، صرفاً به نظارت بر رفتارهای ضد رقابتی و انحصار بپردازد. در ایران اما وزارت صمت در عمل هم سیاستگذار و هم تنظیم‌گر است و شورای رقابت نیز بخشی از وظایف تنظیم‌گر را برعهده گرفته است. در نتیجه، هم‌پوشانی مأموریت‌ها موجب شده تصمیمات شورا و وزارتخانه گاه در جهت مخالف هم قرار گیرد.

طرح کالابرگ الکترونیک به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی دولت، در این نسخه ادامه یافت.

طرح کالابرگ الکترونیک به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی دولت، در این نسخه ادامه یافت.

اتریشی، تمرکز خود را بر دهک‌های پایین درآمدی، معطوف کرد. در این مرحله علاوه بر یارانه نقدی معمول، مبلغی به‌عنوان یارانه تشویقی برای خرید کالاهای اساسی در نظر گرفته شد. این شیوه که با هدف کاهش فشار تورمی بر معیشت خانوارهای کم‌درآمد طراحی شده بود، تا نیمه مرداد ۱۴۰۲ ادامه داشت و پس از آن میزان یارانه خرید کالاهای اساسی برای گروه‌های هدف افزایش یافته و از ۸۰ هزار تومان به ۱۲۰ هزار تومان رسید.

در ادامه و با هدف بازطراحی سیاست حمایتی دولت، طرح جدیدی با عنوان «فجرانه» در بهمن‌ماه ۱۴۰۲ جایگزین مدل پیشین کالابرگ شد. مرحله نخست اجرای طرح فجرانه از بهمن ۱۴۰۲ آغاز و تا اردیبهشت‌ماه سال گذشته ادامه یافت. در این نسخه جدید، دولت تلاش کرد دامنه پوشش و میزان اثرگذاری طرح را گسترش دهد؛ به همین منظور، مبلغ یارانه کالاهای اساسی و تعداد فروشگاه‌های طرف قرارداد افزایش یافت. همین موضوع باعث استقبال بیشتر از این طرح شد. با این حال، طرح به دلیل فشارهای مالی و مشکلات تامین منابع، در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ متوقف شد. طرح کالابرگ از اسفندماه سال گذشته پس از وقفه تقریباً ۱۰ ماه مجدداً آغاز شد. در این طرح یارانه ۵۰۰ تومانی به دهک‌های اول تا سوم و یارانه ۲۵۰ تومانی به دهک‌های چهارم تا هفتم پرداخت شد. این طرح تاکنون در چهار مرحله اجرایی شده است و طبق اعلام مسوولان مربوطه مرحله پنجم کالابرگ در آبان‌ماه پرداخت خواهد شد.

کالابرگ الکترونیک از شتاب تورم عقب‌ماند

به‌رغم اجرای طرح کالابرگ به‌عنوان ابزار اصلی دولت برای حمایت از معیشت اقشار کم‌درآمد، شواهد نشان می‌دهد این اقدامات، نتوانسته‌اند از گسترش فقر کالری در کشور جلوگیری کنند. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، میانگین سرانه مصرف کالری در ایران از سال ۱۳۹۰ تاکنون روندی کاهشی داشته است. در سال ۱۴۰۱ میزان مصرف کالری سرانه به حداقل کالری مورد نیاز برای هر فرد رسید و در سال‌های بعد حتی از این سطح نیز پایین‌تر آمده است؛ موضوعی که بیانگر کاهش توان خانوارها در تامین مواد غذایی مورد نیازشان در پی کاهش قدرت خرید است.

کارشناسان اقتصادی، تورم بالا به‌ویژه در گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها را یکی از اصلی‌ترین دلایل ناکامی سیاست‌های حمایتی در بهبود وضعیت مصرف کالری می‌دانند. بر اساس داده‌های رسمی، نرخ تورم نقطه‌ب نقطه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در شهریورماه سال جاری به ۵۷.۹ درصد رسیده است؛ رقمی که نشان می‌دهد رشد قیمت مواد غذایی با سرعتی بسیار بیشتر از افزایش مبلغ یارانه‌ها پیش می‌رود. به اعتقاد کارشناسان، ناکافی بودن مبلغ یارانه تخصیصی و عقب‌ماندن آن از روند تورم، موجب شده اثر حمایتی این سیاست‌ها بر معیشت خانوارها بسیار محدود باشد. در همین راستا، مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با بررسی دیدگاه مسئولان طرح کالابرگ اعلام کرده است تنها ۸.۷ درصد از افراد، مبلغ اختصاص‌یافته در کالابرگ الکترونیک را برای تامین نیازهای غذایی خود کافی دانسته‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که استمرار رویکردهای فعلی، نمی‌تواند به بهبود معنادر وضعیت تغذیه و رفاه خانوارهای کم‌درآمد منجر شود. همچنین در این گزارش تنها ۱۶.۴ درصد از مشمولان عنوان کرده‌اند که تنها با یارانه نقدی و کالابرگ نیازهای مصاد غذایی ضروری خود را تامین می‌کنند و ۵۶درصد از افراد عنوان کرده‌اند که بیشتر با درآمد شخصی خود مواد غذایی ضروری را خریداری کرده‌اند.

شناسایی نادرست مشمولان و هزینه‌های بالای زندگی

یکی دیگر از عواملی که کارشناسان آن را از دلایل اصلی ناکامی طرح کالابرگ در تحقق اهداف حمایتی می‌دانند، ضعف در شناسایی دقیق خانوارهای هدف است. در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نیز به این موضوع اشاره شده و نتایج نظرسنجی انجام‌شده نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از مشمولان طرح، نظام شناسایی و دهک‌بندی اقتصادی خانوارها را ناکارآمد ارزیابی کرده‌اند. بر اساس یافته‌های این گزارش ۶۵ درصد از مشمولان دهک‌بندی اقتصادی خانوارها از سوی دولت را غیردالانه دانسته‌اند. افزون بر این ۲۷.۸ درصد از مشمولان اعلام کرده‌اند که در میان اطرافیان خود افرادی را می‌شناسند که کالابرگ دریافت کرده‌اند، در حالی‌که مستحق آن نبوده‌اند.

یکی دیگر از دلایلی که باعث شده طرح کالابرگ در تحقق اهداف خود چندان موفق عمل نکند، تفاوت در ترجیحات خانوارها و فشار بالای سایر هزینه‌های زندگی است. بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که ۴۸.۹ درصد از مشمولان در پرسشنامه اعلام کرده‌اند ترجیح می‌دهند به جای اقلام مشخص شده در کالابرگ، امکان انتخاب سایر مواد خوراکی نیز برایشان فراهم باشد. همچنین ۳۸ درصد از پاسخ‌دهندگان خواستار دریافت مبلغ نقدی به جای کالابرگ بوده‌اند. از طرفی ۵۱ درصد افراد محدودیت کالابرگ به ۱۱ قلم کالا را یکی از مشکلات اصلی طرح عنوان کرده‌اند. از سوی دیگر، هزینه‌های جانبی بالا شامل اجاره مسکن، خدمات درمانی و حمل‌ونقل، فشار زیادی بر قدرت خرید خانوار وارد کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که با توجه به فشارهای اقتصادی و سنگینی سایر هزینه‌ها، خانوارها مواد غذایی مصرفی خود را در همان سطح حداقلی گذشته نگه داشته‌اند. به عبارتی بخشی از هزینه‌های خود را که پیش از دریافت کالابرگ به مواد غذایی اختصاص می‌دادند را پس از دریافت کالابرگ به سایر اقلام اختصاص داده‌اند. این موضوع موجب شده که میزان کالری مصرفی خانوارها تغییر چندانی نکند و طرح کالابرگ اثرگذاری بالایی بر بهبود وضعیت تغذیه‌ای نداشته باشد.

طرح کالابرگ الکترونیک به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی دولت، در این نسخه ادامه یافت.

بازار طلا در روزهای اخیر بار دیگر شاهد نوسانات چشم‌گیر بوده و در معاملات روز گذشته قیمت‌ها با رشد همراه شد. طلا و نقره به دلیل افزایش تقاضای دارایی امن، با رشد قیمتی وارد تعطیلات آخر هفته شدند. این افزایش در شرایطی رخ داد که نوسانات برای سومین روز متوالی در تعطیلی به سر می‌برد و چشم‌اندازی برای پایان آن دیده نمی‌شود. اختلاف شدید بین دولت ترامپ و دموکرات‌ها بر سر بودجه و تهدید رئیس‌جمهور برای اخراج کارکنان فدرال، احتمال طولانی‌تر شدن این تعطیلی را افزایش داده است.

در همین حال، بازارهای سهام جهانی وضعیت متفاوتی داشتند و شاخص‌های آمریکا آماده بازگشایی در سطوح بالای تاریخی بودند. خبر دیگری که بر بازار انرژی اثر گذاشت، انفجار و آتش‌سوزی در پالایشگاه شرکت شورون در لس‌آنجلس بود؛ پالایشگاهی که بخش مهمی از سوخت خودرو و هواپیما در جنوب کالیفرنیا را تامین می‌کند. این حادثه باعث رشد اندک قیمت نفت شد که بیش‌تر به پایین‌ترین سطح چهارماهه رسیده بود. در بازارهای دیگر، شاخص دلار آمریکا اندکی کاهش یافت و بازده اوراق خزانه‌داری ۱۰ ساله آمریکا حدود ۴.۹ درصد شد.

از منظر تکنیکال، روند کوتاه‌مدت طلا همچنان صعودی برآورد می‌شود. هدف بعدی خریداران، عبور از مقاومت کلیدی ۴۰۰۰ دلار در فر اونس است، درحالی‌که حمایت مهم در سطح ۳۷۵۰دلاری قرار دارد. اولین مقاومت در ۲۹۲۳ دلار و سپس ۳۹۵۰ دلار دیده می‌شود. در مقابل، نخستین حمایت در ۲۸۶۱ دلار و سپس ۲۸۴۲ دلار است.

موتور اختلاف در صنعت خودرو

نگارندگان این گزارش اعتقاد دارند که آثار این تعارض در بازار خودرو به شکل‌های مختلف نمایان شده است. از یک‌سو، خودروسازان از ناهماهنگی تصمیمات رنج می‌برند و معتقدند قیمت‌های دستوری امکان پوشش هزینه‌های تولید را نمی‌دهد. از سوی دیگر، مصرف‌کنندگان با شکاف چشم‌بین میان قیمت کارخانه و بازار آزاد مواجه‌اند و تصمیمات متوالی درباره نحوه قیمت‌گذاری، پیش‌بینی‌پذیری بازار را از بین برده است. نتیجه، بازاری دوگانه است که در آن قیمت رسمی نقشی در شکل‌گیری قیمت واقعی ندارد و سیاستگذار نیز ابزار کافی برای کنترل آن در اختیار ندارد.

مرکز پژوهش‌ها برشبه این وضعیت را در نبود نهاد تنظیم‌گر بخشی مستقل می‌بیند. در حالی‌که در حوزه‌هایی مانند انرژی، ارتباطات یا بورس، به تدریج نهادهایی با ماهیت تنظیم‌گر بخشی شکل گرفته‌اند، در صنعت خودرو چنین نهادی هنوز وجود ندارد. بازوی پژوهشی مجلس اعتقاد دارد که تا زمانی که نهاد تنظیم‌گر بخشی در این حوزه ایجاد نشود، احتمال تکرار تعارض میان وزارت صمت و شورای رقابت باقی خواهد ماند و اصلاحات قیمتی یا سیاستی نیز به ثبات نخواهد رسید.

اما در بخش سیاستی گزارش، دو سناریو برای سامان‌دهی این رابطه ارائه شده است. در سناریوی نخست، اگر نهاد تنظیم‌گر بخشی بالغ، مستقل و دارای اقتدار اجرایی وجود داشته باشد، باید اختیارات تنظیمی آن به نهاد واگذار شود و شورای رقابت صرفاً نقش ناظر بر رقابت و رفتارهای انحصاری را ایفا کند. اما همان‌طور که گزارش مرکز پژوهش‌ها نیز تاکید دارد صنعت خودرو جزو این بخش محسوب نمی‌شود.

اما در سناریوی دوم، در بخش‌هایی مانند صنعت خودرو که هنوز چنین نهادی تأسیس نشده است، بازوی پژوهشی مجلس پیشنهاد می‌کند که خانه ملت از طریق قانون‌گذاری زمینه ایجاد آن را فراهم کند. تا آن زمان، شورا و سایر نهادهای موجود باید با تعریف دقیق وظایف و تقسیم کار روشن، از موازی‌کاری و صدور تصمیمات متناقض پرهیز کنند.

گزارش همچنین بر ضرورت بازتعریف رابطه شورای رقابت و دولت تاکید دارد. به باور مرکز پژوهش‌ها، هرچند شورای رقابت نهادی تنظیم‌گر تلقی می‌شود، اما استقلال واقعی آن زمانی معنا پیدا می‌کند که حدود دخالت دولت در تصمیمات شورا مشخص باشد. از سوی دیگر، وزارت صمت نیز باید از ایفای نقش تنظیم‌گر در بازاری که خود سیاستگذار و مالک بخشی از دستگاه‌های فعال در آن است، فاصله بگیرد تا تضاد منافع کاهش یابد. مرکز پژوهش‌ها این نکته را یادآور می‌شود که استقلال به معنای قطع ارتباط نیست؛ بلکه به معنای شفاف بودن حدود وظایف و پاسخ‌گویی در برابر نهادهای نظارتی است.

در جمع‌بندی، پژوهش‌ها پیشنهاد کرده که صنعت خودرو نمونه‌ای گویا از وضعیت کلی تنظیم‌گری در ایران است؛ وضعیتی جایی که به‌جای وجود نهادهای مستقل با مأموریت روشن، وظایف تنظیم‌گری میان دستگاه‌های مختلف تقسیم شده و در غیاب هماهنگی، سیاست‌ها هم‌زمان در چند مسیر حرکت می‌کنند. تداوم این وضعیت، هرگونه تلاش برای اصلاح ساختاری صنعت خودرو را با مانع مواجه می‌کند.

طرح کالابرگ الکترونیک به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی دولت، در این نسخه ادامه یافت.

طرح کالابرگ الکترونیک به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی دولت، در این نسخه ادامه یافت.

♥ تغییرات اساسی در حجم مینای بازار پایه فرابورس

بازار پایه فرابورس ایران، که همواره به عنوان بازاری با نقدشوندگی پایین و چالش‌های متعدد شناخته می‌شود؛ به‌تازگی شاهد تغییرات مهمی در سازوکار حجم میناست که از نوزدهم مهرماه‌اعمال خواهد شد. این تغییرات، با هدف ایجاد تعادل میان واقعیت معاملات و ارزش بازار سهام، می‌تواند نقطه عطفی در اصلاح روند معاملاتی نمادهای کم‌معامله و پرنوسان باشد.

حجم مینا، به عنوان یکی از ابزارهای کنترلی در بازار سرمایه ایران، از سال‌های گذشته مورد بحث کارشناسان و فعالان بازار بوده است. پیش از این، حجم مینای سهام بازار پایه بر اساس سرمایه پایه شرکت تعیین می‌شد؛ رویکردی که در شرکت‌های دارای سرمایه بزرگ اما شناوری پایین، فاصله میان حجم مینا و معاملات واقعی سهم را افزایش می‌داد و عملاً مانع از کشف قیمت منصفانه می‌شد.

در چنین شرایطی، سهامداران خرد بارها از قفل شدن دارایی‌های خود در نمادهای بازار پایه گلایه کرده و شرکت‌ها نیز در جذب سرمایه و تامین مالی با مشکل مواجه بودند.

با این حال، فرابورس ایران اخیراً فرمول تازه‌ای برای محاسبه حجم مینای پویا معرفی کرده است؛ فرمولی که به جای اتکای صرف به سرمایه پایه شرکت، بر اساس معاملات واقعی و میزان سهام شناور آزاد طراحی شده و ماهیت پویا دارد.

بر اساس اطلاعیه رسمی فرابورس، این فرمول از ۱۹ مهرماه ۱۴۰۴ اجرایی می‌شود و هدف اصلی آن، انعطاف‌پذیری بیشتر در محاسبه حجم مینا و ارتقای نقدشوندگی است.

سازوکار جدید حجم مینا در سازوکار جدید، حجم مینا به سه حالت تقسیم می‌شود: اولین حالت مربوط به سهام پرمعامله است؛ اگر میانگین روزانه معاملات سهم در یک ماه اخیر بیش از سسرانه روزانه سهام شناور باشد، سهم پر معامله تلقی شده و حجم مینا «یک» در نظر گرفته می‌شود.

دومین حالت مربوط به سهام کم‌معامله با نوسان کم است؛ در واقع سهمی که نه پر معامله هستند و نه نوسان قابل‌توجه دارند، حجم مینای آنها نیز «یک» خواهد بود.

سومین حالت نیز به سهام کم‌معامله با نوسان بالا مرتبط است؛ در این حالت، حجم مینا بر اساس فرمولی که ترکیبی از میانگین روزانه حجم معاملات یک ماه اخیر و سرانه روزانه سهام شناور است، تعیین می‌شود.

ضرب تعدیل در این فرمول با افزایش یا کاهش حجم معاملات در سه ماه اخیر و شدت نوسانات سهم تغییر می‌کند؛ افزایش معاملات موجب کاهش ضریب و کاهش حجم مینا و افزایش نوسان موجب افزایش آن می‌شود.

به بیان ساده، سازوکار جدید تلاش دارد تا سهم‌های پر معامله یا کم‌نوسان بدون محدودیت حجم مینا معامله شوند و تنها شرکت‌هایی که با حجم معاملات پایین و نوسان قابل‌توجه مواجه هستند، مشمول حجم مینا شوند. این تغییر، علاوه بر ارتقای امکان کشف قیمت واقعی، مانع مبالغه‌های غیرواقعی و بهبود شفافیت بازار می‌شود.

نکات فرمول جدید حجم مینا فرمول تازه حجم مینا، به در نظر گرفتن متغیرهای کلیدی مانند بازدهی چهار هفته اخیر، میانگین حجم معاملات ماه گذشته، تعداد کل سهام شرکت و نسبت سهام شناور آزاد، تلاشی برای ایجاد توازن میان واقعیت معاملاتی سهم و ارزش بازار آن است. حداقل حجم مینا نیز معادل ۱۰ درصد از سرانه روزانه تعداد سهام شناور آزاد شرکت تعیین شده است، به این معنا که حتی در سهام کم‌معامله، سطحی از نقدشوندگی تضمین می‌شود.

اجرای این تغییرات از دو منظر حائز اهمیت است: نخست برای سهامداران خرد که از قفل شدن دارایی‌ها در بازار پایه گلایه داشتند و دوم برای شرکت‌ها که در نبود کشف قیمت واقعی، با مشکلاتی در جذب سرمایه و تامین مالی مواجه بودند. حالا با اعمال فرمول جدید، انتظار می‌رود نقدشوندگی نسبی بازار پایه بهبود یافته و امکان کشف قیمت منصفانه‌تر فراهم شود.

ارتقای شفافیت در بازار پایه محمدعلی شیرازی، مدیرعامل فرابورس ایران، در این باره تأکید کرده است که فرمول تازه حجم مینا با هدف ارتقای شفافیت و کاهش فاصله میان معاملات واقعی و ارزش اسمی سهام طراحی شده است.

به گفته وی، تغییرات حجم مینا نتیجه فراخوانی برای اخذ نظرات فعالان و کارشناسان بازار است که از ۱۷ تا ۱۹ مهرماه ۱۴۰۴ انجام شد تا فرآیند تصمیم‌گیری با شفافیت بیشتری دنبال شود. با وجود این اصلاحات، کارشناسان هشدار می‌دهند که تغییر فرمول حجم مینا همه مشکلات بازار پایه را برطرف نخواهد کرد.

همچنان چالش‌هایی مانند نبود شفافیت اطلاعاتی و گزارش‌دهی نامنظم شرکت‌ها از مسائل اصلی این بازار هستند. با این حال، اصلاح حجم مینا را می‌توان گامی رو به جلو در جهت اصلاح سازوکار معاملاتی و نزدیک کردن بازار پایه به استانداردهای حرفه‌ای تر دانست.

در نهایت، تجربه عملی این سازوکار در ماه‌های آینده نشان خواهد داد که آیا سیاستگذاران توانسته‌اند تعادلی میان نقدشوندگی و کنترل هیجان بازار برقرار کنند یا خیر. با توجه به انعطاف‌پذیری بیشتر و وزن‌دهی به معاملات واقعی سهام، انتظار می‌رود اثر مثبت حجم مینا بر کشف قیمت و روان‌سازی معاملات بازار پایه، پررنگ‌تر از هر گونه نوسان کوتاه‌مدت باشد.

رشد برخوردار است.

بسیاری از تحلیلگران معتقدند در شرایط فعلی، با توجه به ارزش گذاری جذاب نمادهای شاخص‌محور و بهبود انتظارات سودآوری شرکت‌ها، چشم‌انداز بازار همچنان صعودی ارزیابی می‌شود. به نظر می‌رسد تا زمانی که شاخص کل بالای سطح ۳میلیون واحد تثبیت شود، اصلاحات احتمالی کوتاه‌مدت خواهند بود با فروکش کردن هیجانات سیاسی، انتظار می‌رود در روزهای آینده نمادهای کوچک و متوسط نیز مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار گیرند.

در بازار چه گذشت؟

در معاملات روز گذشته بازار سهام، شاخص هم‌وزن نیز با کاهش ۰.۲۱ درصدی مواجه شد و به سطح ۸۹۲ هزار واحدی رسید. اما در فرابورس شاخص کل این بازار، ۰.۰۳ درصد افزایش را تجربه کرد. در جریان دادوستدهای دوشنبه، ۲۵۸میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شد و ارزش معاملات خرد بازار سهام نیز رقم ۱۱هزار و ۸۵۹میلیارد تومان را ثبت کرد که کاهش ۲۹ درصدی را نسبت به روز یکشنبه نشان می‌دهد.

از اتفاقات مهم روز گذشته بازگشایی نماد ایران خودرو بود. نماد شرکت ایران‌خودرو که برای افشای نرخ فروش محصولات در روز یکشنبه بسته شده بود در نیمه روز گذشته بازگشایی شد. این نماد طی مرحله پیش‌گشایش، با حجم بالای ۵میلیارد تومان در صف خرید قفل بود. در حالی‌که بازگشایی ایران‌خودرو در ابتدا با رشد قیمت و سبزپوشی همراه بود، فشار فروش با محوریت همین نماد شدت گرفت.

در نتیجه، اکثریت بازار تحت‌تأثیر عرضه‌های سنگین قرار گرفتند و بیش از نیمی از نمادها با افت قیمت روز را به پایان رساندند؛ همچنین بیش از ۱۰۰ نماد از محدوده مثبت وارد صف فروش شدند. برخلاف روز یکشنبه که بازار سهام معاملات خود را صعودی آغاز کرد و شاخص کل تا نزدیکی سطح ۳میلیون و ۱۰۰ هزار واحد پیش رفت، اما دیروز افزایش فشار فروش در نمادهای شاخص‌محور مانع تداوم رشد شد. در ادامه، شاخص کل با کاهش بیش از یک درصدی مواجه شد، هرچند مرز روانی ۳میلیون واحدی همچنان حفظ شد؛ سطحی که معامله‌گران آن را مرز حیاتی بازار می‌دانند.

تحلیل‌ها نشان می‌دهد تا زمانی که شاخص بالای این محدوده باقی بماند، اصلاح‌های احتمالی در قالب نوسان کوتاه‌مدت تلقی می‌شود و تهدیدی جدی متوجه بازار نخواهد بود. در همین حال، نمادهای کوچک‌تر وضعیت متعادل‌تری داشتند و تقاضا در برخی از آنها ادامه یافت. شاخص هم‌وزن که نماینده عملکرد شرکت‌های متوسط و کوچک است، در بخشی از معاملات در محدوده مثبت قرار گرفت و در نهایت تنها ۰.۲۱ درصد افت را ثبت کرد؛ موضوعی که از تمایل سرمایه‌گذاران به سمت سهام کوچک‌تر حکایت دارد.

چرخش بزرگ

فاطمه حاجعلی، تحلیلگر بازار سرمایه، در تشریح تحولات اخیر بورس تهران اظهار کرد: اگرچه در روز گذشته شاهد افت بیش از یک درصدی شاخص بودیم، اما این کاهش بیشتر به دلیل اصلاحات طبیعی و دست به دست شدن سهام رخ داده است. او در توضیح دلایل این چرخش بزرگ گفت: ریزش چهارشنبه گذشته در واقع یک اصلاح ساختاری نبود، بلکه می‌توان آن را یک استراحت معاملاتی در دل روند صعودی تعبیر کرد. رفتار معامله‌گران در نیم ساعت پایانی آن روز نشان داد فشار فروش تخلیه شده و بسیاری از فروشندگان پیشین در آستانه هفته جدید به سمت صف‌های خرید متمایل شدند.حاجعلی ادامه داد: در روزهای ابتدای هفته صنایع پالایشی، خودرویی، بانکی و فلزات اساسی بیشترین تأثیر را بر رشد شاخص داشتند.

تکذیب شایعات پیرامون صورت‌های مالی پالایشی‌ها به عنوان یک سیگنال اطمینان‌بخش، موج تقاضا را در این گروه تقویت کرد و این اثر مثبت به سایر صنایع نیز سرایت یافت. این تحلیلگر بازار سرمایه با اشاره به عوامل بیرونی موثر بر این روند افزود: کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیک و ثبات نسبی نرخ ارز موجب آرامش در فضای کلان اقتصاد شده و این شرایط، تمایل سرمایه‌گذاران برای ورود به سهام را افزایش داده است. از سوی دیگر سطح ۳میلیون واحدی شاخص کل نقش حمایتی خود را به‌خوبی ایفا کرده و بازگشت سریع از این سطح، برای بسیاری از معامله‌گران سیگنال ورود تلقی شده است.

مدیریت شهری به مخالفت اهالی شهرک اکباتان در خصوص ایجاد درب دوم برای متروی این شهرک در مشاعات یکی از بلوک‌های مسکونی واکنش نشان داد و مدیران مترو وعده دادند تا محل درب جدید مجدداً بررسی شده و تا حد امکان نظر ساکنان شهرک در خصوص محل درب دوم تأمین شود.

مخالفت اهالی شهرک اکباتان با ساخت درب دوم برای متروی اکباتان در مشاعات یکی از بلوک‌ها با واکنش مدیریت شهری مواجه شد، نعمت‌الله فرزانه‌پور رئیس مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو تهران در این شهرک حضور یافت و در جلسهای با حضور اعضای هیات‌مدیره شهرک و هیات‌مدیره بلوک نظرات ساکنان و دلایل مخالفت‌ها در خصوص محل پیشنهادی برای «درب دوم» را شنید.

درحالی‌که نمایندگان اهالی در این نشست بر لزوم ارزیابی تأثیرات اجتماعی-فرهنگی هر پروژه عمرانی و تبعات هر تصمیمی بر زندگی شهروندان سخن گفتند، مدیرعامل شرکت مترو تهران وعده داد که تا حد امکان نظر مردم در زمینه محل درب دوم این شهرک تأمین شود. در این نشست با حضور مدیران شهرک، مطابق مصوبه ستاد مدیریت بحران هر ایستگاه مترو الزاما باید دارای حداقل ۲ درب «ورود و خروج» باشد؛ درحالی‌که در تعدادی از ایستگاه‌های متروی تهران این مصوبه ایمنی اجرایی نشده، پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، شرکت بهره‌برداری مترو تهران ملزم به ایجاد درب دوم برای ایستگاه‌های فاقد درب دوم شده است.

در خصوص متروی شهرک اکباتان راحت‌ترین و کم‌هزینه‌ترین اقدام در زمینه تأمین درب دوم، ساخت آن در محل فاز دوم و مقابل درب فعلی با فاصله محدود کمتر از ۱۰۰ متری بود. با وجود این، شهروندان در خصوص تبعات این تصمیم بر کیفیت زندگی خود نگران و معترض بودند و مخالفت خود را از طریق رسانه‌ها با مدیران شهری رساندند.مدیران شهری موفق پیش از اجرای هر پروژه عمرانی، تأثیرات اجتماعی آن بر شهروندان را ارزیابی می‌کنند؛ در راهنمای بین‌المللی ارزیابی تأثیرات اجتماعی توصیه‌های مشخصی برای جلب نظر حداکثری شهروندان برای اجرای یک پروژه شده است. در این راهنما آمده است، که پیش از هر گونه تصمیم‌گیری برای یک محله، مردم آن منطقه را در جریان موضوع بگذارید، نظرات موافق و مخالف مردم را جمع‌آوری و پیشنهادهای شهروندان را مورد بررسی قرار دهید. مدیران شهری باید این موضوع را بدانند که برای حل یک مساله، همواره بیش از یک راه وجود دارد، بنابراین باید به فکر ارائه گزینه دوم و سوم در صورت مخالفت شهروندان نیز باشند. به نظر می‌رسد که مدیران مترو در شهر تهران، درصدد برآمدند تا در اجرای پروژه درب دوم برای مترو اکباتان، سراغ گزینه‌های دوم و سوم رفته تا به این ترتیب نظر مساعد ساکنان این منطقه را تأمین کنند.

طرح دولت برای «مسکن توکنی»



هدف از طرح توکنایز کردن مسکن، متصل کردن خانوارهای متقاضی مسکن به این شکل است که از این طریق بتوانند منابع مالی برای ساخت‌وسازهای جدید را تأمین کنند. به این معنی که، پروژه‌های ساختمانی که در قالب برنامه ساخت سالانه یک‌میلیون مسکن تعریف شده‌اند، به توکن‌های قابل فروش به متقاضیان مسکن تبدیل می‌شوند؛ به نوعی پیش‌خرید دیجیتال که ارزش هر واحد پیش‌خرید به قدری پایین است که امکان مشارکت فراهم می‌شود. جوشقانی تأکید کرد که طرح «توکن مسکن» می‌تواند کمک کند پول‌های خرد از بخش‌های غیرمولد (مانند دلار، طلا و سکه) به بخش مولد مسکن وارد شود. در واقع با تغییر مسیر نقدینگی‌ها از بازارهای غیر مولد به بازار مسکن، هم عرضه مسکن افزایش می‌یابد و هم اشتغال ایجاد می‌شود.

بسیاری از دارندگان این نقدینگی‌ها اگر امکان سرمایه‌گذاری در بخش مسکن را داشتند، این بازار را انتخاب می‌کردند؛ زیرا ریسک بسیار پایین و عایدی بلندمدت بالایی نسبت به بازارهای موازی دارد، اما امکان سرمایه‌گذاری مستقیم برای آنها فراهم نیست. در واقع، توکنایز کردن کمک می‌کند، نقدینگی وارد تولید و ساخت مسکن شود، بدون اینکه تورم ایجاد کند؛ زیرا وارد خرید «مسکن آماده» نمی‌شود که قیمت‌ها را بالا ببرد، بلکه در قالب پروژه‌های در حال ساخت سرمایه‌گذاری می‌شود. به‌عبارتی، در قالب این طرح، سرمایه‌گذاران ملکی می‌توانند توکن‌های پروژه‌های در حال ساخت را خریداری کنند، منابع مالی پروژه را تأمین کنند تا سازنده بتواند عرضه مسکن را افزایش دهد و موتور رشد اقتصادی فعال شود.

توسعه‌گری با واگذاری زمین‌های دولتی

در این نشست، غلامرضا سلامی، صاحب‌نظر ارشد حوزه مسکن و ساختمان، طرحی مکمل را به دولت و وزارت راه و شهرسازی پیشنهاد داد. بر اساس این طرح، زمین‌های تحت اختیار سازمان ملی زمین و مسکن و سایر شرکت‌های زمین‌دار وابسته به وزارت راه و شهرسازی باید به «صندوق توسعه مسکن» واگذار شوند تا شرایط تازه‌ای برای ورود توسعه‌دهندگان به صنعت ساختمان فراهم شود.

سلامی معتقد است دولت، به‌ویژه وزارت راه و شهرسازی و سازمان ملی زمین و مسکن، حجم قابل‌توجهی زمین خام و پراکنده در نقاط مختلف کشور در اختیار دارد. این زمین‌ها باید در قالب یک نهاد توسعه‌ای با عنوان «صندوق توسعه مسکن» تجمیع شوند. این صندوق نباید به دنبال سود یا فعالیت تجاری باشد، بلکه هدف آن باید تسهیل توسعه و ساخت‌وساز در بخش مسکن باشد. براساس این طرح، همه زمین‌هایی که در مالکیت و اختیار وزارت راه و شهرسازی قرار دارند، باید به این صندوق منتقل شوند تا مدیریت و تخصیص زمین از حالت پراکنده و غیرشفاف خارج شود.

این صندوق در همکاری با بانک‌ها، می‌تواند منابع مالی لازم را برای سازندگان نیز تأمین کند. زمین‌های دولتی از طریق این صندوق در اختیار شرکت‌های توسعه‌دهنده صنعت ساختمان قرار می‌گیرند، اما نوع واگذاری باید به‌گونه‌ای باشد که سازندگان تنها برای خرید زمین به سراغ صندوق نروند. هدف این است که شرکت‌های توسعه‌دهنده، زمین را با هدف ایجاد شهرک‌های جدید دریافت کنند؛ شهرک‌دهی، که در آنها نه تنها واحدهای مسکونی، بلکه مراکز اداری، تجاری و خدمات شهری نیز تعریف شود.

برخورد بورس به سد ۳میلیونی



فرحناز نعمتی – گزارش‌ها نشان می‌دهد که طلای ۱۸عیار در بازه یک ماه گذشته ۹.۵ درصد، سکه ۶.۲ درصد دلار ۱.۱ درصد و بورس ۲۱.۲ درصد تغییر کرد. در عین حال، بازار خودرو نیز تغییر ۴۰ تا ۱۷۰ میلیون تومانی قیمت خودروهای داخلی را تجربه کرد.

بورس تهران که استارت معاملات آخرین هفته مهرماه را با قدرت‌نمایی شاخص‌ها زد، سرانجام موفق به عبور از سطح ۳میلیون واحدی شد. اگرچه در روز گذشته با شناسایی سود از سوی معامله‌گران تا حدودی عرضه‌ها سرعت گرفت؛ موضوعی که پیش از این انتظار می‌رفت و تحلیلگران نیز بر این موضوع تأکید کرده بودند.

به‌خصوص آنکه با نزدیک شدن به سطح ۳میلیون و ۱۰۰ هزار واحدی، معامله‌گران مجدداً وارد فاز احتیاط شدند. شاخص‌های سهامی دیروز در مسیر کاهشی حرکت کردند و تردید معامله‌گران در جریان دادوستدهای



قول شهرداری به اهالی اکباتان

مشاور وزیر اقتصاد از تدارک طرح «تحرک‌بخشی به بازار مسکن با ابزار جدید تأمین مالی» خبر داد. حسین جوشقانی در نشست آسیب‌شناسی نظام تأمین مالی مسکن، منابع مورد نیاز برای ساخت یک میلیون واحد جدید را ۲۰ میلیارد دلار اعلام کرد و آن را یک «مساله» دانست. طرح «فروش توکن مسکن» یک پاسخ برای آن است.

اعضای نشست از راست: حسین جوشقانی، سید محسن قاضیلان، دکتر غلامرضا سلامی، دکتر مریم زارعیان (دبیر نشست) و دکتر سعید اسلامی بیدگلی صدیقه ژان‌دقریان: نظام تأمین مالی مسکن در ایران به‌دلیل بانک‌محور بودن، کمبود داده‌های دقیق و تداوم تصدی‌گری دولت در بخش مسکن و توسعه شهری، با چالش‌های جدی روبه‌روست. نبود تنوع در ابزارهای مالی، ناکارآمدی نظام‌های پس‌انداز مسکن و سهم پایین تسهیلات بانکی موجب شده خانوارها، به‌ویژه اقشار کم‌درآمد، از دسترسی به مسکن مناسب بازمانند. اکنون در شرایطی که دو مسیر پیشین تأمین مالی یعنی وام‌های بانکی و صندوق‌های زمین و ساختمان پاسخگوی نیاز بخش مسکن نبوده‌اند، در نشست‌ی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با موضوع توسعه مسکن در ایران برگزار کرد، طرح تازه‌ای با عنوان «مسکن توکنی» از سوی دولت مطرح شده است؛ طرحی که به عنوان یک «نظام جدید تأمین مالی» با بهره‌گیری از بستر دیجیتال، امکان ساخت‌وفروش مسکن را متناسب با شرایط فعلی اقتصاد فراهم می‌کند.

خرید واحدهای ریز دیجیتالی

در این نشست حسین جوشقانی، مشاور وزیر اقتصاد و کارشناس اقتصادی با بررسی نیازسنجی‌های مسکن به راهکارهای تأمین مالی متناسب با سطح درآمدی خانوارها در قالب «نظام جدید تأمین‌مالی» سازگار با شرایط فعلی اقتصاد یعنی ساخت و فروش مسکن در بستر دیجیتال پرداخت. براساس مطالعاتی که مراجع کارشناسی مختلف انجام داده‌اند، در ۴ سال آینده تخمین زده می‌شود ۲ تا ۱۰ میلیون واحد مسکونی در کشور نیاز است. این نیازسنجی صرفاً برای سکونت خانوارهای شهری است، نه انواع املاک مسکونی دیگر مثل خانه دوم. بنابراین با توجه به نیاز چندمیلیونی مسکن طی سال‌های آینده، فرض بر این است که سالانه حدود یک‌میلیون واحد مسکونی در کشور ساخته شود. برآوردها نشان می‌دهد، ساخت سالانه یک‌میلیون واحد مسکونی با احتساب نرخ امروز، حداقل ۲۰میلیون تومان برای هر مترمربع هزینه خواهد داشت که هزینه زمین، جواز و سایر هزینه‌های مرتبط با شهرسازی را در بر نمی‌گیرد.

نکته قابل توجه اینکه، هزینه‌های مربوط به شهرسازی نیز تقریباً معادل همین رقم است. بنابراین، ساخت یک‌میلیون واحد مسکونی جدید در سال، به حدود ۲۰میلیارد دلار منابع مالی نیاز دارد. این حجم بالای تقاضا با وضعیت موجود منابع بانکی، تورم بالا، نرخ بهره بالا و توان محدود درآمدی خانوارها که امکان پرداخت اقساط سنگین را ندارند، تقریباً غیرممکن است. بنابراین تأمین مالی ساخت مسکن جدید با اتکای صرف به تسهیلات شبکه بانکی مساله اساسی اقتصادی محسوب می‌شود و نیازمند ابزار یا ابتکار جدیدی است.

برای طراحی این ابزار، وضعیت اقتصادی و توان مالی خانوارها باید در نظر گرفته شود. خانوارها به دلیل تورم و شرایط اقتصادی، توانایی تأمین مبلغ بالای خرید مسکن به شکل یکجا را ندارند. پس‌اندازها و توان پرداخت قسط بسیار پایین است و هزینه ساخت یک آپارتمان حداقل ۲میلیارد تومان برآورد می‌شود. بنابراین لازم است ابزاری تعریف شود که امکان خرید مرحله‌ای مسکن را برای خانوارها فراهم کند، در واقع، ابزار باید بتواند طوری فعال شود که افراد امکان خرید مرحله به مرحله را داشته باشند. یکی از این ابزارهایی که جوشقانی مطرح می‌کند، «توکنایز کردن مسکن» است که وزارت اقتصاد در همکاری با وزارت مسکن پیش می‌برد. در این روش، ارزش یک واحد مسکونی به واحدهای دیجیتالی کوچک (توکن) تقسیم می‌شود. هر توکن نمایانگر یک سهم دیجیتالی از واحد مسکونی است و ارزش آن به قدری پایین تعریف می‌شود که افراد با هر میزان توان مالی بتوانند یک یا چند توکن خریداری کنند و به مرور خرید خود را تکمیل کنند. ارزش هر توکن می‌تواند ضریبی از قیمت یک مترمربع واحد مسکونی باشد.

✚ خرد جمعی برای حل بحران‌ها

پانزدهمین رویداد جامع معدن و صنایع معدنی از صبح روز دوشنبه ۲۷ مردادماه به همت گروه رسانه‌ای «دنیای‌اقتصاد» در مرکز همایش‌های برج میلاد آغاز به کار کرد. این رویداد تا ۳۰ مردادماه ادامه دارد. بررسی چالش‌های اصلی بخش معدن و صنایع معدنی از جمله ناترازی‌های انرژی، توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های حمل‌ونقل، الزامات محیط زیستی در کنار تداوم فعالیت‌های معدنی و همچنین تحقق اهداف توسعه‌ای در زنجیره فولاد کشور، از جمله مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در این همایش بودند. در همین حال ارائه راهکارهای عملی برای توسعه پایدار بخش معدن مورد توجه سخنرانان این رویداد مهم معدنی قرار گرفت. سیدمحمد اتابک وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز در پیامی ویدئویی خطاب به حاضران در این همایش، به نقش رویداد جامع معدنی و صنایع معدنی «دنیای اقتصاد» در مسیر پیشرفت صنایع اشاره داشت و تأکید کرد که گذار از ابربحران‌های کنونی نیازمند خرد جمعی و بهره‌مندی از نظرات متخصصانی همچون حاضرین در این رویداد است.

در ابتدا علیرضا بختیاری، مدیرمسئول ضمن خوشامدگویی به حاضران، در رابطه با چالش‌های بخش معدن ایران گفت: در سال‌های اخیر، با توجه به اعمال تحریم‌های گسترده، تغییرات سریع بازارهای جهانی و نیاز به انطباق با استانداردهای بین‌المللی، معدن و صنایع معدنی ایران با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است. در یکسو، نوسانات قیمت مواد اولیه، ناترازی انرژی و ریسک‌های سیاسی و در سویی دیگر، فشارهای زیست‌محیطی و الزامات قانونی جدید، نیازمند توجه ویژه‌ای هستند.

بختیاری در ادامه گفت: در سال‌های گذشته، این هشدار داده شد که سرمایه‌گذاری در بخش معدن و صنایع معدنی رشد قابل اعتنایی ندارد و رشد بلندمدت این بخش در معرض خطر است. اکنون متأسفانه همه آن نگرانی‌ها به‌قوت خود باقی است و مسائل دیگری نیز به آن اضافه شده است. او تأکید کرد: نخستین و مهم‌ترین عامل غیراقتصادی که راه فعالیت‌های اقتصادی را ناهموار کرده، تهدید خارجی و موانع تحریمی است. مرتفع کردن این موانع، در گرو افزایش تحرک دستگاه دیپلماسی و تقویت قوای دفاعی کشور و تقویت سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و تحکیم وحدت ملی است. بختیاری ادامه داد: ایران در دو دهه اخیر بسیاری از فرصت‌های اصلاح اقتصادی را از دست داده است و در سال جاری که قرار بوده است مطابق مفاد سند چشم‌انداز بیست ساله، به «جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی» دست یابد، با این هدف فاصله زیادی دارد.

گفت: با این حال، هنوز روزنه‌های امید گشوده است و با مدیریت علمی و سنجیده‌ای امور می‌توان اوضاع را بهتر کرد. بنیاد معدن و صنایع معدنی از جنبه تولید بر توسعه‌ی تکنولوژی و از جنبه تجاری بر صادرات استوار است. فعالان صنایع معدنی برای اجرایی کردن این دو جز، مکمل، قابلیت‌های تخصصی کافی دارند و به کمک دولت نیازی ندارند، اما این فعالیت‌های تکنیکی و بنگاهی خواه ناخواه با سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌های دولت گره خورده است.

بختیاری در پایان تأکید کرد: امیدواریم دولت با درس گرفتن از تجربه‌ها و ناکامی‌ها در زمینه تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و کاستی‌ها در اجرای برنامه‌های توسعه و عدم توازن‌های آشکار و پنهان در بودجه‌های سالانه، اکنون متقاعد شده باشد که اهالی کسب‌وکار و بازارها منطق اقتصاد را بهتر می‌شناسند و هر چه فاصله دولت از بنگاهداری و تصدی‌گری بیشتر شود، چشم‌انداز رشد اقتصادی و رفاه همگانی روشن‌تر می‌شود. ضرورت اتکا بر خرد جمعی برای مواجهه با ابربحران‌ها

سید محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت در پیامی ویدئویی برای حاضران در رویداد جامع معدن و صنایع معدنی ۱۴۰۴، از پیشکسوتان، اندیشمندان و متخصصان حاضر در این همایش قدردانی کرد و گفت: قدردان برگزاری سالانه همایش معدن و صنایع معدنی توسط مجموعه رسانه‌ای «دنیای اقتصاد» هستند. هر ساله بر غنای این همایش افزوده شده است. این رویداد در طول سالیان گذشته تأثیر بسزایی بر پیشرفت صنایع داشته است و در همین راستا از زحمات مدیرمسئول این گروه رسانه‌ای تشکر می‌کنم. او ضمن اشاره به برگزاری همایش جامع معدن و صنایع معدنی در تراز ی جهانی افزود: این رویداد در سال جاری بسا ابتکار و ایجاد رویکردی جدید به تولید و بازار برگزار می‌شود و اثرات مثبت و ماندگاری را برای صنایع به دنبال خواهد داشت. وزیر صمت با اشاره به بحران‌های پیش روی صنعت و معدن گفت: در حال حاضر فعالان بخش معدن و صنایع معدنی با چالش‌های متعددی در روند فعالیت خود مواجه هستند. این مشکلات در سال‌های گذشته شدت گرفته و اکنون به ابربحران بدل شده‌اند. ناترازی انرژی یکی از همین ابربحران‌هایی است.



سیاست یکسان در تالارهای متفاوت

✚ عرشیا حسن پور – تالار دوم مرکز مبادله باهدف کاهش شکاف نرخ ارز رسمی و بازار آزاد تشکیل شد تا انگیزه تولیدکنندگان برای صادرات و بازگرداندن ارز حاصل از آن را افزایش دهد.

تالار دوم مرکز مبادله با هدف کاهش شکاف نرخ ارز رسمی و بازار آزاد تشکیل شد تا انگیزه تولیدکنندگان برای صادرات و بازگرداندن ارز حاصل از آن را افزایش دهد. با این حال، پس از اولین شوک ارزی، آثار شکست احتمالی این طرح نیز مشاهده شد. کارشناسان معتقدند تا زمانی که دولت مکانیسم بازار را نپذیرد و بر قیمت‌گذاری اصرار داشته باشد، نتایج سیاست‌های جدید، مشابه نمونه‌های قبلی خواهد بود و تنها یک نرخ ارز دولتی دیگر به لیست بلند قبلی اضافه خواهد شد.

مرضیه احق‌قایی: تالار دوم بازار ارز تجاری به منزله ایجاد بازاری «تیمه‌آزاد» برای گروه‌های کالایی غیرانرژی و غیرفلزی است. با توجه به قوانین و مقررات پیمان‌سپاری ارزی، از آنجاکه فاصله گرفتن قیمت دلار در بازار آزاد و بازار رسمی به چالش جدی و سدی محکم در مسیر صادرات بدل شده، انتظار می‌رود فروش ارز حاصل از صادرات در تالار دوم به مشوقی در جهت ارتقای صادرات و فروش محصولات تولید داخل در بازار بین‌المللی بدل شود. در همین‌حال با توجه به گلابه واردکنندگان از فرایند تخصیص ارز، این تالار می‌تواند روند واردات و تأمین ارز مورد نیاز آن را تسریع کند. با این‌وجود بررسی‌های «دنیای اقتصاد» حکایت از آن دارد که همچنان دخالت بانک مرکزی در بازار ارز در تالار دوم مشاهده می‌شود. در این شرایط همچنان انگیزه تجار برای عرضه ارز حاصل از صادرات پایین است. این روند به ویژه در موقعیت حساس کنونی حاکم بر اقتصاد ایران و با تشدید تحریم‌ها، نمی‌تواند مانع رشد صادرات از مسیرهای غیررسمی شود. بنابراین کاهش حداکثری دخالت دولت در این بازار ضروری به نظر می‌رسد.

تالار دوم مرکز مبادله طلا و ارز، سامانه‌ای است که بانک مرکزی با هدف تنظیم و ساماندهی بازار، شفاف‌سازی معاملات، تسهیل ایفای تعهدات صادرکنندگان، و ایجاد توازن در عرضه و تقاضای ارز به جریان انداخته و انتظار می‌رود نقش مکمل در کنار تالار اصلی ایفا کند.

انتظار می‌رفت با راه‌اندازی تالار دوم بازار ارز تجاری، فصل جدیدی در سیاستگذاری ارزی کشور آغاز شود. بانک مرکزی در اطلاعیه خود تأکید کرد که تأمین ارز برای واردات بخشی از کالاهای ضروری کشور، از این پس تنها از محل منابع ارزی صادراتی که در تالار دوم عرضه می‌شود، امکان‌پذیر خواهد بود.

گفتنی است چندی پیش محمد آرام رئیس مرکز مبادله طلا و ارز در جمع روسای اتاق‌های سراسر کشور تأکید کرد: «بازار دوم ارز براساس توافق صادرکننده و واردکننده و بدون دخالت در نرخ‌گذاری و برای صادرات خرد بخش خصوصی طراحی شده است.» گفتنی است براساس اظهارات فعالان حوزه صادرات نرخ دلار در تالار دوم طی هفته‌های اخیر در محدوده ۸۰ تا ۹۵ هزار تومان نوسان داشته است.

در همین‌حال باید یادآور شد که در هفته‌های اخیر رئیس کل بانک مرکزی خبر از افزایش عرضه ارز در بازار دوم مرکز مبادله با نرخ توافقی داد. فریزن گفت: «برنامه توسعه صادرات در دولت تهیه شده و با وزارت صنعت در حال پیگیری آن هستیم. بر این اساس، عرضه ارز برخی



کالاهای صادراتی در بازار دوم مرکز مبادله با نرخ توافقی افزایش می‌یابد. به دنبال این هسستیم تا ارز برخی صنایع فلزی و فولادی، حتی برخی صنایع وابسته به پتروشیمی برای بالا بردن مریت صادراتی در بازار دوم مرکز مبادله عرضه شود. البته درباره عرضه ارز در بازار دوم باید بر این نکته تأکید کرد که اصلاحات در حوزه ارزی نباید شوک‌آور باشد و حتما باید این اصلاحات را تدریجی و مدیریت شده انجام دهیم تا آثار تورمی آن را مدیریت کنیم.»

در روزهای اخیر نیز محمدعلی دهقان دهنوی رئیس سازمان توسعه تجارت بر تداوم ارزی‌نهی میان سازمان توسعه تجارت ایران با بانک مرکزی تأکید کرد و گفت: در تلاش هستیم بخشی از کالاهای صادراتی که ملزم به عرضه ارز خود در تالار اول مرکز مبادله هستند، به تالار دوم منتقل شوند تا صادرکنندگان بتوانند منافع بیشتری از ارز صادراتی خود کسب کنند. در ادامه سیاستگذار به دنبال تسهیل روند بهره‌مندی تجار از سامانه‌های ارزی است. نیمه نخست شهریور ماه خبری مبنی بر اتصال سیستم بازرگانان به بازار ارز تجاری منتشر شد. طبق اعلام مرکز مبادله ایران، بازرگانان فعال در بازار ارز تجاری مرکز مبادله ایران از این پس می‌توانند از طریق پلتفرم اختصاصی این مرکز به سامانه‌های عملاتی این بازار دسترسی یابند؛ این اقدام با هدف تسهیل فرآیندهای تجاری و افزایش شفافیت در معاملات ارزی صورت گرفته است. بازرگانان می‌توانند با استفاده از این سامانه، امکانات متعددی شامل ثبت سفدوچو و فیلتر مجوزهای خرید و فروش، محاسبه کارمزدها، مشاهده جزئیات مجوزها و سفارشات و رصد وضعیت عملیات سفارش‌گذاری را به صورت یکپارچه مدیریت کنند. با این‌وجود فعالان عرصه تجارت بر کاهش فاصله میان نرخ دلار در بازارهای رسمی و غیررسمی تأکید دارند و آن را تنها راهکار کاهش رانت عنوان می‌کنند.

گفتنی است با آغاز به‌کار سامانه ارز تجاری مقرر شد صادرکنندگان محصولات کشاورزی، شرکت‌های دانش‌بنیان و برخی گروه‌های کالایی به‌جز نفت، گاز، پتروشیمی، مس و فولاد، امکان عرضه ارز صادراتی خود را با نرخ‌های بالاتر و شناورتر در تالار دوم خواهند داشت. اما در حال حاضر پس از تشدید تحریم‌های حاکم بر اقتصاد ایران در سلبه فعال شدن مکانیسم ماشه، معاون ارزی بانک مرکزی، از مذاکرات این بانک با صنایع فولادی و پتروشیمی خبر داد. البته در ادامه اخبار ضدونقیضی در این خصوص منتشر شد و هنوز شاهد عملیاتی شدن این وعده نبوده‌ایم. چنانچه عرضه ارز توسط صنایع بزرگ در تالار دوم عملیاتی نشود، این سیاست مشوق صادرات و ارزآوری خواهد بود؛ هرچند احتمالاً افزایش عرضه، به تنظیم‌گری هر چه بیشتر بهای دلار در تالار دوم منجر خواهد شد.

فاصله جدی تالار دوم از هدف

مرتضی کوهنورد عضو هیات نمایندگان اتاق ایران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» و در ارزیابی عملکرد تالار دوم مرکز مبادله اظهار کرد: بهای دلار در تالار دوم کمتر از نرخ آن در بازار آزاد و بیشتر از بهای

تعیین شده در تالار اول مرکز مبادله ارز و طلا است. تالار دوم بازار ارز تجاری با اهداف کلانی چون شفاف‌سازی معاملات ارزی، کاهش نوسانات بازار، واقعی شدن معاملات بازار ارز و جلوگیری از خروج سرمایه از کشور انجام شده است. در همین‌حال انتظار می‌رفت کشف نرخ در این بازار بر اساس توافق واردکننده و صادرکننده تعیین شود. وی افزود: هر روزهایی که قیمت دلار در بازار آزاد به حدود ۱۱۰هزار تومان رسیده بود، بهای دلار در تالار اول مرکز مبادله نیز حدود ۷۱ هزار تومان بود؛ قیمت این اسکانس در تالار دوم حدود ۸۳ تا ۸۴ هزار تومان بود. یعنی همچنان فاصله قیمتی قابل‌توجهی میان نرخ ارز در بازار آزاد و تالار دوم به چشم می‌خورد.

کوهنورد گفت: صادرکننده هزینه تولید محصولات خود و همچنین سایر هزینه‌های جاری را براساس روند رو به رشد نرخ تورم می‌پردازد. تورم نیز در سال‌های اخیر به تابعی از نرخ ارز تبدیل شده است. در چنین شرایطی الزام به بازگشت و فروش ارز با قیمت تعیین شده از سوی دولت که به‌مراتب پایین‌تر از قیمت واقعی آن است، نتیجه بخش نیست. صادرات با الزامات پیمان سپاری ارزی صرفه اقتصادی ندارد. در چنین فضای بسیاری از صادرکنندگان توان تداوم فعالیت در بازار صادراتی را نخواهند داشت. به بیان دیگر تنها گروه‌هایی که از رانت و حمایت دولت با مزیت رقابتی و پلانه بهره‌مند هستند، امکان حضور موفقیت‌آمیز در بازار جهانی را خواهند یافت. این فعال حوزه واردات افزود: در حال حاضر هنوز بروکرسی حاکم بر خریدوفروش ارز در تالار دوم مرکز مبادله قابل‌توجه است. بانک‌های عامل نیز هنوز با این بروکرسی همگام و همسو نشده‌اند. وی در ادامه گفت: انتظار می‌رفت خریدوفروش ارز در تالار دوم در تقابل مستقیم میان واردکننده و صادرکننده باشد. سامانه طراحی شده توسط مرکز مبادله نیز محلی ثبت اطلاعات طرفین و معاملات باشد. اما در حال حاضر شاهد دخل و تصرف غیرمستقیم از سوی نهادهای تصمیم‌ساز در حوزه ارز هستیم. روافع صادرکننده از طریق بانک عامل اقدام به عرضه ارز می‌کند. واردکننده نیز در خواست خرید خود را در سامانه ثبت می‌کند. در این میان مرکز مبادله براساس حدود معاملات ارزی که عمدتاً توسط شرکت‌های دولتی و خصوصی است، نرخي را برای قیمت ارز در تالار دوم تعیین می‌کند. روافع به گفته بانک عامل، مرکز مبادله حدود قیمت را اعلام می‌کند. به این ترتیب باید اقرار کرد که هنوز امکان معامله و مذاکره و توافق مستقیم میان واردکننده و صادرکننده، میسر نیست. این فعال حوزه تجاری افزود: البته رشد قیمت ارز و بهره‌مندی از فضای تالار دوم مرکز مبادله به تسریع در فرآیند تخصیص ارز منتهی شده است. هرچند چالش‌های جدیدی در این مسیر به چشم می‌خورد که فرآیندهای تجاری را دشوار می‌کند.

وی به فرآیند بهینه‌سازی مصرف ارز اشاره کرد که طی ماه‌های اخیر توسط وزارت صمت مطرح شده و اجرایی می‌شود و گفت: واردکننده برای تأمین این موردنیاز واردات اقدام به ثبت‌سفارش می‌کند. اما قبل از مرحله تخصیص ارز، وزارت صمت میزان واردات یا تخصیص ارز محصول ثبت شده را بررسی می‌کند. درنتیجه ممکن است به فردی که چندین سال در حوزه واردات یک محصول فعالیت داشته، امکان ورود آن به کشور را ندهند. چراکه پیش از شما فرد با مجموعه دیگری اقدام به واردات از آن کشور کرده است. وزارت صمت معتقد است این اقدام با هدف ایجاد تعادل در بازار اجرایی می‌شود اما در عمل چالش‌های بسیاری را به دنبال خواهد داشت. وی در پایان گفت: در موقعیت کنونی بازنگری در سیاست‌های تخصیص ارز ضروری برای تداوم تولید و تأمین کالاهای مورد نیاز مردم است.

دخالت سازمان های دولتی در بازار ارز تجاری

صدرالدین نیاورانی نایب رئیس کمیسیون صادرات اتاق بازرگانی ایران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» در ارزیابی عملکرد انجام ارز تجاری گفت: اقدامات انجام گرفته توسط مرکز مبادله ایران با هدف تسهیل فعالیت تجار در بازار ارز اجرایی شده است. انتظار می‌رفت راه‌اندازی تالار دوم به مبادله مستقیم از میان واردکنندگان و صادرکنندگان منجر شود. با این‌وجود هدف یاد شده در عمل اجرایی نشده است. چراکه همچنان شاهد دخالت دولت برای اثرگذاری در قیمت ارز هستیم. این فعال تجاری گفت: خریدوفروش ارز در فضای تعاملی و عرضه و تقاضا به‌منزله عدم دخالت دولت و نهادهای دولتی در این فرایند است. خروج دولت از فرآیند قیمت‌گذاری به منزله تسهیل صادرات است. در شرایطی که نهادهای تصمیم‌گیر صادرکننده را ملزم به بازگشت ارز حاصل از صادرات با قیمت غیرواقعی و بسیار پایین می‌کنند، از انگیزه و سودآوری فروش محصولات ایرانی در بازار بین‌المللی کاسته خواهد شد.

وی افزود: بخش بزرگی از صادرات کشور توسط شرکت‌ها و نهادهای دولتی یا وابسته به دولت انجام می‌شود. بنابراین بخش جدی از این ارزآوری نیز توسط شرکت‌های وابسته به دولت است. در چنین شرایطی دولت با عرضه ارز توسط این مجموعه‌ها، عملاً قیمت دلار را در بازار دوم نیز تحت کنترل در می‌آورد. فاصله قیمتی میان ارز در بازار آزاد و تالار دوم مرکز مبادله نیز همچنان قابل‌توجه است. به این ترتیب از عملکرد و کارایی این بازار کاسته خواهد شد. تلاش دولت برای کنترل قیمت دلار در نهایت به نفع تولید و تجارت نیست، چراکه از انگیزه صادرات کاسته خواهد شد. این فعال عرصه تجارت گفت: سیاست‌های ارزی توسط بانک مرکزی اتخاذ و اجرایی می‌شود. بانک مرکزی نیز کنترل قیمت را از و اولویت خود قرار داده است. تجار نیز توقع حمایت از صادرات را توسط بانک مرکزی ندارند. با این وجود از وزارت صنعت، معدن و تجارت و همچنین سازمان توسعه تجارت ایران انتظار می‌رود مسیر تجاری کشور را هموار کند. به‌ویژه آنکه سیاست‌های ارزی بانک مرکزی همواره لطامت جدی را به تولید و تجارت کشور تحمیل کرده است.

نایب رئیس کمیسیون صادرات گفت: در حال حاضر با فعال شدن مکانیسم ماشه، تحریم‌های جدی‌تری علیه اقتصاد کشور اعمال خواهد شد. در چنین فضای طبعاً از سیاستگذاران انتظار می‌رود در مسیر تسهیل فرآیندهای تجاری و حضور موفق و رقابت‌پذیر تولیدات ایرانی در بازار رقابت جهانی تلاش کنند. با توجه به نیاز کشور به ارز و همچنین چالش‌های پیرامون صادرات و بازگشت ارز به کشور، انتظار جدی می‌رود ارز از لیست کالای قاچاق خارج شود.

نیاورانی گفت: صادرکنندگان به دلایل متعددی ازجمله تحریم و محدودیت در تعاملات مالی و بانکی با دنیا، در مواردی نمی‌توانند ارز حاصل از صادرات خود را به کشور بازگردانند. در چنین شرایطی قرار دادن صادراتکنندگان در لیست قاچاقچیان و برخورد قانونی با آنها به منزله تحمیل خسارت به اقتصاد کشور است. در همین‌حال از سیاستگذار انتظار می‌رود آزادسازی قیمت ارز را به‌طور جدی دنبال کند. تحمیل فشار از سوی بانک مرکزی و سایر نهادهای برای تثبیت غیرواقعی نرخ دلار، مانع صادرات و ارزآوری است. با این‌وجود ما در طول سالیان گذشته شاهد دخالت مستقیم دولت و بانک مرکزی در قیمت ارز بوده‌ایم. گاهی قیمت دلار پایین نگه داشته می‌شود و در برخی موارد نیز با هدف جبران کسری بودجه قیمت ارز افزایش می‌یابد. این اقدامات با سیاست‌های تجاری همخوانی ندارد و چالش‌ز هستند. توجه به این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که دخالت مستمر دولت در بازار ارز چالش‌ساز و رانت‌زا است. بنابراین بازنگری در این شرایط ضروری به‌نظر می‌رسد.

توسعه صادرات غیرنفتی با همراهی بخش خصوصی یکی از مهم‌ترین اهدافی است که توسط دولت چهاردهم دنبال می‌شود. در همین‌حال مذاکراتی برای عقد موافقت‌نامه تجارت ترجیحی و آزاد در انجام است. در این میان سازمان توسعه تجارت نیز به‌عنوان یکی از متولیان بخش تجارت کشور به دنبال ارتقا روابط با نهادهای موثر در حوزه تجارت است.

محمدعلی دهقان دهنوی معاون وزیر صمت در نشستی که با عنوان «صادرات و بازارهای بین‌المللی» برگزار شد، گفت: کشورهای موفق، دیپلماسی تجاری را ابزاری کلیدی در توسعه اقتصادی خود می‌دانند و رؤسای کشورها شخصاً در مذاکرات تجاری بزرگ حضور دارند. ایران نیز در حال مذاکره با ۶ کشور برای امضای موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی و آزاد است و بخش قابل‌توجهی از روابط سیاسی کشور حول محور تجارت شکل گرفته است. به گزارش مهر رئیس سازمان توسعه تجارت با بیان اینکه برای هر اعزام هیات تجاری باید برنامه‌ریزی دقیق داشته باشیم، گفت: کارگروه‌های برای ۲۰ شرکت تجاری اول تشکیل خواهد شد تا نقشه راه مشخص شود.

در ادامه مجید صمدزاده، مدیر کل دیپلماسی اقتصاد مقاومتی وزارت امور خارجه، گفت: وزارت امور خارجه همواره در کنار بخش خصوصی قرار دارد و این سیاست دستور مستقیم رئیس‌جمهور است. او با اشاره به مشکلات صادرات و موانع موجود گفت: هدف اصلی ما رفع مشکلات بخش خصوصی است، اما متأسفانه کشور گرفتار انبوهی از قوانین شده و یکی از مأموریت‌های ما نظم دادن به این قوانین است. قوانین گاه محدودیت‌هایی ایجاد می‌کنند که حتی با دستور ریاست جمهوری هم هماهنگ نیستند و برطرف کردن آنها زمان‌بر است. وی افزود: در جلسات حاکمیتی، همیشه نماینده بخش خصوصی بوده‌ایم و برای رفع موانع آن تلاش می‌کنیم. اگر گاهی نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود، به دلیل پیچیدگی قوانین و محدودیت اختیارات ماست، اما پیگیری ادامه دارد.

حلقه مفقوده تحقیقات بازار در زنجیره صادرات



به سمت سرمایه‌گذاری مشترک برویم و اتاق ایران و اتاق مشهد در این مسیر سیاستگذاری کنند. به ویژه که خروج اتباع می‌تواند به کمک این موضوع بیاید. با سرمایه‌گذاری مشترک حجم تجارت ما با این کشور می‌تواند حداقل به ههلیلیارد دلار برسد. محمد میرزاییان، نایبرئیس کمیسیون توسعه صادرات با انتقاد از تغییر دائمی قوانین صادرات و مقررات خلق‌الساعه گفت: صادرکنندگان حتی برای یک ماه آینده خود نمی‌توانند برنامه‌ریزی کنند. نوسان قیمت ارز امکان برنامه‌ریزی برای ما نمی‌گذارد و نرخ ارز صادرات را زمین زده است. در ادامه این نشست، امیر روشن، معاون سازمان توسعه تجارت نیز با بیان اینکه صادرات کشور سنتی و متکی بر تجربه است، اظهار کرد: صادرات دنیا حرفه‌ای و متکی به مطالعه بازار

تجارت خارجی یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که با اجرای اسنپک آسیب می‌بیند.

براساس برآوردهای انجام گرفته توسط سازمان توسعه تجارت ایران در شرایط پیش رو، حوزه لجستیک و کشتیرانی با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد شد و همین چالش‌ها هزینه تمام شده تجارت را تا ۴۰ درصد افزایش خواهد داد. بر همین اساس دولت تهیه شده و با وزارت خواستار اصلاح قوانین و مقررات حوزه صادرات و بازگشت ارز هستند.

رئیس کمیسیون توسعه صادرات اتاق ایران با اشاره به افزایش هزینه تجارت خارجی با اجرای اسنپ بک، خواستار کاهش ۱۰ تا ۱۵ درصدی رفع تعهد ارزی صادرکنندگان و واردکنندگان شد. به گزارش اتاق ایران انلان محمد لاهوتی، در نشست کمیسیون توسعه صادرات غیرنفتی اتاق ایران، ادامه داد: با توجه به مواد قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تحقق این امر دشوار است، اما باید راهکاری برای صادرکننده تعریف و هزینه تحمیل‌شده به او جبران شود.

وی با اشاره به تشکیل کمیته ویژه اسنپک در سازمان توسعه تجارت، تأکید کرد: باید نماینده اتاق ایران هم در این کمیته حضور داشته باشد. سازمان توسعه تجارت و همه ما باید برای بدترین سناریوها هم برنامه‌ریزی داشته باشیم. لاهوتی به اهمیت شرکت‌های مدیریت صادرات اشاره کرد و گفت: اگر این شرکت‌ها به درستی مورد حمایت قرار بگیرند می‌توانیم از این ابزار برای توسعه صادرات به ویژه صادرات توسط شرکت‌های کوچک و متوسط استفاده کنیم.

وی در بخش دیگری از سخنانش به ظرفیت تجارت ایران و افغانستان پرداخت و افزود: افغانستان به دلیل جنگ و بی‌ثباتی ظرفیت تجارت دوجانبه ندارد. بنابراین در افغانستان باید

